

طرح خودگردانی "هیئت ویژه دولت" نادیده گرفتن خواست و اراده خلق کرد است

هیات ویژه دولت در مذاکرات صلح کردستان، طرح خود را رسماً اعلام کرد. این طرح که با نام "طرح خودگردانی" ارائه شده است در حقیقت مواضع هیئت حاکمه را در برابر مطالبات حق طلبانه خلق کرد و دیگر خلق های ایران که برای رهایی از ستم قومی و ملی نیز مبارزه می کنند روشن می سازد.

روشن شدن مواضع هیئت ویژه دولت و اعلام رسمی آن، فصل تازه ای در مبارزات حق طلبانه خلق کرد باز می کند. اعلام رسمی این طرح سازماندهی مبارزه سیاسی جدیدی را در دستور اجلاس سازمان های سیاسی خلق کرد قرار می دهد.

خلق کرد که از همان دوران سقوط رژیم منگور پهلوی بر حوصله مسالمت آمیز مسأله کردستان با فشار می نمود، این بار در فضای ناشی از پیروزی جنبش مقاومت، به حق انتظار داشت که نمایندگان دولت که نام هیئت حسن نیت بر خود نهاده است به حداقل خواست های خلق کرد پاسخ مثبت دهد و خودمختاری کردستان را در چارچوب ایران یکپارچه مستقل به رسمیت بشناسد.

علیرغم این انتظار، "هیئت ویژه دولت" تا به حال کوشیده است تنها نظریات یک جانبه خود را به پیش برد. این هیئت چشم خود را بر روی واقعیات موجود در کردستان بسته است و آشکارا اعلام می کند که به خواست های حق طلبانه خلق کرد که در راه تحقق آن مبارزهای حماسه آفرین و خونین را پشت سر نهاده است، بی اعتنا است.

این سیاست هیئت ویژه تا به حال در دو زمینه ادامه یافته است. از طرفی با تحریف حقایق و ادامه تبلیغات سوء می کوشد هیئت نمایندگان خلق کرد را جنگ افروز و مخالف صلح معرفی کند. این سیاست مزورانه به نحوی سازمان داده می شود تا اتحاد تاریخی نیروهای جنبش مقاومت را درهم ریخته و راه را برای نادیده گرفتن حقوق اساسی خلق کرد و تحمیل نظریات هیئت حاکمه "پانزدهم" در این زمینه می توان از سیاست نماینده ترشی و انجام مذاکرات جداگانه نام برد که نمونه بارز آن قطع بی دلیل مذاکره با هیئت است. **بقیه در صفحه ۲**

شوراهای جهت قطع وابستگی گام بر میدارند

یکی از عمده ترین مسائلی که شوراهای کارگری بعد از قیام سال ۱۳۰۱ رو برو بوده اند، مسئله وابستگی واحدهای تولیدی بوده است. مسئله ای که همواره جلوی پای هر شورای واقعی و خودداشته است و مانعی جدی در راه کنترل تولید و توزیع به دست کارگران موجود آورده است. نمونه چنین مشکلات و موانع را در کارخانه الیاف و صنایع چوبی و غیره می توان ذکر کرد. در کارخانه الیاف، یکماه بعد از گرفتن کنترل تولید و توزیع به دست شورای کارگری و اخراج آلمانی ها، مواد اولیه (که از آلمان وارد می شد) تمام شد و شرکت آلمانی با دستنه های کارفرما از دادن مواد اولیه خودداری نمود. در نتیجه شورا با تعطیل کارخانه رو برو و فرار گرفتن با کارگران مواجه گشت و مجبور به کناره گیری شد. همچنین در کارخانه صنایع چوب کارگران پس از پیروان راندن کارفرما از کارخانه و به دست گرفتن کنترل

بقیه در صفحه ۲



چرا بازرگان و رفسنجانی از جاسوسی امیرانتظام دفاع می کنند؟

دنیال اسنار استاد مرکز جاسوسی امریکا که نشان می داد محسوی محسن دولت جمهوری اسلامی جاسوس و عامل امپریالیسم امریکاست، آقای بارزگهان، نخست وزیر دولت موقت و عضو شورای انقلاب به ما نور تازه ای دست زد تا آب رفته را به جوی بارگردانید و آقای رفسنجانی وزیر **بقیه در صفحه ۷**

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی «هرچه حیدر خان بگوید راست است» (ستارخان)

سال های تکوین انقلاب متروپیت، سال های کودکی و جوانی حیدر عمو اوغلی، سال های تکوین انقلاب متروپیت ایران است. نظام بوسیده ارباب و رعیتی و استبداد مطلقه متروپالیسی از همه به جامعه راه بند کشیده است. مفروگرتگی نوده های منلوسی دهقان و بی چیران شهری راه خانه خرابی و آوارگی می کشاند. بسیاری برای نامین وسائل معاش به کشورهای همجوار مخصوص به فعلاً مهاجرت می کنند. میدویندهای فتودالی بشهوران و تجار ایرانی را در تنگنا قرار داده و راه رشدشان را مسدود

حیدر عمو اوغلی، نامی درخشان در تاریخ مبارزات مسی ماست. در حقیقت مسی امپریالیسی - دمکراسی خلق های ایران، نام "حیدر عمو اوغلی" دعویان بکسی از سابقان سوسیال دمکراسی، اعلامی بزرگ مشروطیت سازمان دهی برجسته و مدانی کسر در خاطره خلق های مهربان ایران سرحای خواهد ماند.

حیدر عمو اوغلی در سال ۱۲۵۸ شمسی در ارومیه متولد شد. پدرش طبیب، با فرهنگ و دوست دار مردم بود. از این روح در عمو اوغلی در خانواده های با فرهنگ و روشنفکر پرورش یافت.

شود که رهبری سیاسی حسن ضد امپریالیسی - دمکراسی خلق های ایران را به دست آورد و در راه ساختن ایران آزاد و دمکراتیک گام بردارد. ما وظیفه خود می ساسیم که طیف کارگران را باری دهم با اهداف طبقاتی خود را در مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک بسازد و در راه رهایی از سرمایه داری و پستی سوسیالیسم خود را تدارک بیند. امپریالیسم و صنعت نفت ایران کار حفاری چاه های نفت در ایران به صورت مستعزرا و اول فرن **بقیه در صفحه ۷**

نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان علیه شرکتهای امپریالیستی در جنوب

طبقه کارگر ایران و در رأس آن کارگران صنعت نفت در نابودی رژیم سلطنتی نقش تعیین کننده و درجه اول داشتند. با این همه از آنجا که طبقه کارگر ایران سازمان سیاسی خاص خود را نداشت و منافع طبقاتی خود آگاه نبود، توان و نیروی انقلابی آن در خدمت

در این شماره: مبارزات زحمتکشان ارامنه
گرامی باد یاد استاد مبارز دانشگاه شهید کامران نجات الهی **در صفحه ۲**
اقدامات وزیر جدید نفت علیه نفتگران آگاه و انقلابی در پوشش "پاکسازی" **در صفحه ۷**
تبلیغات توطئه گرانه توده ایها علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا **در صفحه ۳**
۴ صفحه ضمیمه کار شماره ۳۹

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران

White Paper



طرح خودگردانی ...

بقیه از صفحه ۱

نماینده‌ی خلق کرد در مهاباد و مسافرت توطئه آمیز آقاسی داریوش فروهر به جنوب کردستان جهت نمایندگی تراشی است. ارائه طرح خود ساخته "خود گردانی" زمینه دیگری برای پیشبرد این سیاست ها است. این طرح که هیچگونه ارتباطی با خواست های عادلانه خلق کرد و مبارزه تاریخی آن ندارد در بهترین شکل خود چیزی بیشتر از پاره ای اختیارات محدود اداری و فرهنگی نیست که هیئت حاکمه کنونی برای جلوگیری از تمرکز اداری، خود را مجبور به اجرای آن یافته است. زیرا همان گونه که در سخنان اعضای هیئت ویژه مشاهده کرده ایم، آنها با بیان این که حقوق و مطالبات خلق کرد چیزی فراتر از مطالبات مردم تهران و فارس نیست اساساً ماهیت ستم ملی را تحریف می کنند و می کوشند برخواست های حق طلبانه خلق کرد که مصمم است برای تحقق آنها تا پای جان ایستادگی کند، پوشش بگذارند.

این سیاست ادامه همان سیاستی است که می خواهد مبارزه عادلانه خلق کرد و دیگر خلق های تحت ستم را برای رهایی از ستم ملی و کسب خود مختاری سرکوب کند. این سیاست ادامه همان سیاستی است که در برابر جنبش مقاومت خلق کرد شکست خورد ما است.

این سیاست نشان می دهد که چه کسانی جنگ طلب هستند و از صلح عادلانه "در کردستان می ترسند، چرا که چنین صلحی را مفایر منافع خود می دانند. این سیاست تنها زمینه را برای تکرار فاجیع شرم آور گذشته فراهم می آورد و در خدمت سرکوبگران قرار دارد.

سازمان مادر مورد مسئله کردستان همواره بر این اساس عمل کرده است که جنگ کردستان جنگی ناخواسته و تنها به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. از این رو هم صدا با خلق کرد، چه قبل از آغاز جنگ، چه در جریان جنگ و چه در طرطبول مذاکره، همیشه از راه صلح آمیز مسئله کردستان جانبداری کرده و در جهت آن از هیئت کوشی فراگذار کرده است.

مایک بار دیگر وقایع اعلام می داریم که برخواست های حق طلبانه خلق کرد تأکید داریم و از مواضع اعلام شده هیئت نمایندگی خلق کرد، جانبداری می کنیم. ما هرگونه سیاستی را که بخواهد حق مسلم خلق کرد و زحمتکشان سراسر ایران را نادیده بگیرد، شدیداً محکوم می کنیم و هنگام با نیروهای مترقی تا پای جان در کنار خلق های تحت ستم میهن خود به مبارزه عادلانه ادامه داده و از خواست های برحق آنان دفاع خواهیم کرد.

گرامی باد یاد استاد مبارز دانشگاه شهید کامران نجات الهی

یک سال از شهادت کامران نجات الهی، استاد جوان و مبارز دانشگاه می گذرد. در آذرماه سال ۱۳۵۷ به منظور مقابله با دولت آمریکا، بختیار که مذبحخانه تلاش می کرد با بستن دانشگاه هار کسترش مبارزات ضد امپریالیسمی - دمکراتیک مردم میهن ما - جلوگیری کند، استادان مبارز دانشگاه دست به تحصن زدند. دبیرخانه دانشگاه محصل نحمین استادان با شعار "تازگشائی دانشگاه، این سگر آزادی آذین شده بود. دولت بختیار اقدام به محاصره دبیرخانه کرد و از پیوستن دیگر گروه های استادان - متحصنین ممانعت به عمل آورد. این عده به ناگزیر در ساختمان وزارت علوم متحصن شدند. در همین محل بود که دکتر کامران نجات الهی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و ع شهادت رسید.

شهادت نجات الهی به نغز مردم از رژیم شاه و بختیار عمقی نازه داد. تا آنجا که مراسم تشییع جنازه کامران نجات الهی به صورت یکی از روزهای خویس مبارزات مردم درآمد و همانند ۱۷

شهر پرور ۱۳۵۸، پایه نمایش گذاشتن درنده خونی ارتشش آریامهری دست پرورده آمریکا و سز فاطمیت و سرسختی و روحیه سازش ناپذیر خلق به باخاسته های ویژه ای را در تاریخ این مبارزات به خود اختصاص داد. در این روز جنازه استاد شهید از محل بیمارستان به سوی بهشت زهرا حمل شد.

پیش از آغاز تشییع جنازه، کرم سنحانی و چند تن دیگر از لیبرال های حبه ملی سخنرانی کردند و کوشش به عمل آوردند تا از این موقعیت برای تشییع خود کسب وجهه برای حبه ملی بهره برداری کنند. ولی مردم که شرار آریومحبه مبارزاتی بودند نی اعتنا به نصاب رهبران حبه ملی، بکار چه علیه رژیم و تسلیم طلبان شمار می دادند و هنگامی که درخشش - این چهره شناخته شده امریکائی - می خواست با حمایت لیبرال ها سخنرانی کند او را از پیش تزیین به زیر کشیدند. در چنین راهپیمائی مردم به جای تکرار شعارهای محافظه کارانه و سازشکارانه حبه ملی، شعارهای سازمان چریکهای فدائی خلق

دو خباز ترکمن صحرا

اعلامیادفاشاگرانه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن درباره تبلیغات عوام فریبانه حزب توده.

پیام ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن به خلق های قهرمان ایران.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در اعلامیه دیگری تحت عنوان "دانش و جنگ آریومحبه" تبلیغات عوام فریبانه حزب توده را افشاء کرده و چنین نوشته است: "حزب توده که درست بعد از آرام شدن وی خطر شدن اوضاع و احوال ترکمن صحرا آرام آرام، فرصت طلبانه از سوراخ سربیرون آورده، در طی فعالیت چند هفته ای خود همواره به عناوین مختلف سعی در محکوم کردن مبارزات خلق ترکمن و دهقانان و زحمتکشان روستا نمود ما است، موضع گیری های حزب توده در منطقه ترکمن صحرا عملاً آن را در کنار غاصبین، زمین داران بزرگ و سرمایه داران وابسته قرار داده و مداح سینه چاک مرتجعین کرده است."

در این اعلامیه آمده است: "حزب توده به عنوان بلندگوی ارتجاع می خواهد ذهن توده ها را برای سرکوب خلق مبارز ترکمن آماده سازد و محیط را برای جنگ فراهم نماید."

ترکمن صحرا - ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در اعلامیه مشترکی برای خلق های قهرمان و مبارز ایران پیامی فرستادند، در این پیام آمده است: "مردم مبارز ایران! روی سختمان باشماست، زمانی که روستائیان و زحمتکشان ترکمن صحرا تحت نظارت و مدیریت شوراهای مردمی با جدیت و کوشش به گشت زمین های باز پس گرفته خود پرداختن نمود می خواهید با گشت صحیح آنچنان افزایشی در تولید گندم کشورمان ایجاد کنند که مشتی محکم بردمان پیازه گویان غاصب بگویند، سرمایه داران و زمین داران بزرگ و غاصبین که مرگ خویش را نزدیک می بینند، به انواع حیله ها و توطئه ها متوسل گردید و در سرتاسر منطقه دست به حمله به زحمتکشان و کشتار آنها زدند و سعی در نا آرام جلوه دادن منطقه می نمایند. آنها می خواهند با این قبیل حرکت خود، مردم ترکمن صحرا را به جنگی تحمیلی بکشانند و از جانب دیگر دولت راهبر سرکوب خلق ترکمن متقاعد سازند."

بقیه از صفحه ۱

شوراهای در جهت قطع وابستگی ...

ایرانی پیدانشد آن وقت فکر دیگری می کنیم. هیئت مدیره به ناچار به این خواست شوراتن می دهد. سپس شورادروز نامه آگهی می کند که کارخانه ماشین سازی را که به کارشناسان و مهندسی ایرانی جهت جایگزینی مهندسی و کارشناسان خارجی نیازمند است. با آمدن مهندسی ایرانی و استخدام آنها در روز ۲۲ آبان ماه هیئت مدیره اعلام می کند که کارشناسان خارجی اخراج به جای آنها مهندسی ایرانی استخدام شده اند. به این ترتیب هیئت مدیره به خواست کارگران تن می دهد و شوراد گام اولیسه و پیروزمندانای در جهت قطع وابستگی بر می دارد.

البته در تمام این موارد ما شاهد کارکنی ها و دسیسه های کارفرما وزارت کار و دولت که پس از قیام همواره از سرمایه داران وابسته پشتیبانی می نمود بودیم. مثلاً ما شاهد بودیم که چگونه استاندار خوزستان در یادار مدنی دستور انحلال شورای اسلامی کارکنان شرکت حفاری "سدکو - ایران" را داد. ما شاهد بودیم که چگونه استاندار خوزستان با بسیج نیروهای نظامی دستور خارج کردن وسایل شرکت حفاری سنتافه از خوزستان و بازگویی آنها به کشتی ها برای حمل به خارج از کشور و پس دادن آنها به کشورهای امپریالیستی را داد. در حالی که شورای کارگران شرکت حفاری با

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود



تبلیغات توطئه گرانه توده ایها علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا

اخیرا در شماره های متعدد روزنامه "مردم" دائما هشدارهای مکرری به چشم می خورد که در ایران که ضد انقلاب درگنبد توطئه می کند و ترکمن صحرا آبستن فاجعه است. روزی نیست که روزنامه "مردم" با تیترهای درشت از اوضاع انفجار آمیز گرگان و دشت چیزی ننویسد و پرده از فعالیت های "ضد انقلاب" برندارد.

ببینیم باز چه شده که فغان "توده ای ها" را این چنین به آسمان برده است و ببینیم چرا اهل دشت روزنامه های دیگر حتی "جمهوری اسلامی" و "انقلاب اسلامی" و... نتنها هیچ نشانی از این توطئه های "هولناک" به چشم نمی خورد بلکه رادیو ایران گزارش کامل کننده شورش های دهقانان ترکمن صحرا را پخش می کند.

ما جزا از این قرار است که با وجود هیئت منفرد وزارت کشاورزی به منطقه همکاری این هیئت با ستاد شوراهای ترکمن صحرا اقدامات جدی در زمینه انتقال زمین های غصبی به دهقانان و صدور اسناد مالکیت به نام آنان و لغو اسناد مالکیت، زمین داران بزرگ به وحشت افتاده اند که میادان زمین هایشان را بگیرند و به دهقانان بدهند.

ما جزا از این قرار است که بسیاری از "توده ای ها" که تعداد کودتای ۲۸ مرداد نوکری رژیم شاه را پذیرفته و به دربار و دستگاه راه یافته اند، درازا خوش خدمتی های خود، قطعات چند صد هکتاری از زمین های بی بی دهقانان را به عنوان پاداش از دست "آریا مهر" دریافت داشته اند. مثلا "جعفر بای" که سالها عضو حزب توده بوده است، یکی از بزرگترین زمین داران به حساب می آید که...

تنها در منطقه "سدوشمکیر" ۲۰۰۰ هکتار از بهترین زمین های کشاورزان را با زور تصاحب کرده است. این "توده ای ها" که با خیانت به خلق و با حد متغزاری به دربار پهلوی درگنبد زمین های دهقانان را از چنگشان بیرون آورده اند، اکنون چون می بینند زمانه عوض شده و دهقانان به چنان قدرتی دست یافته اند که با ابطال اسناد مالکیت زمین داران بزرگ از وزارت کشاورزی سند مالکیت خود را دریافت می کنند، از کوره به در رفته تلاش می کنند تا با گل آلود کردن آب هر طور شده زمین های خود را حفظ کنند.

"حزب توده" بیش از هر چیز از این ناراحت است که چاروازی وزارت کشاورزی و ستاد شوراها درگنبد زمین های بیش از ۱۰۰ هکتار را ضبط می کنند.

"حزب توده" که در حرف همیشه سنگ "انقلاب" را به سینه می زند، وقتی پای عمل انقلابی پیش می آید، مطابق همیشه جانب ضد انقلاب را می گیرد و در پوشش انقلاب می خواهد کاری کند که نگذارا اکنون که وزارت کشاورزی که بالاخره به خواست دهقانان تن داده و فراربراسن شده که زمین ها تقسیم شود، این کار انجام بپذیرد. هیچ سرگ مالکی و هیچ مقاطعه کاری که سادگی تن به چنین سیاسی نخواهد داد.

سرما به داران و زمین داران "توده ای" باید بداند که هر قدر علیه دهقانان و زحمتکشان متخلف شوند و هر چه در روزنامه "مردم" عوام فریبی، تبلیغات ضد انقلابی و جارو و جنجال به راه بیندازند، اما مبارزات مردم به آنجا رسیده است که چه خواهند و چه خواهند زمین های گنبد از چنگشان به در خواهد آمد و به دهقانان زحمتکش خواهد رسید.

بازرگان می خواهد ارتش شاهنشاهی را...

دربست مطیع فرمان شاه و امپریالیسم بودند دلیل طرد آنان نمی شود. چون لازمه وظیفه یک افسر اعانت ارفاق خود است. همانطور که وظیفه یک معلم درس دادن در چارچوب برنامه طرح ریزی شده است. نه تنها در ارتش بلکه کارمندان کلیه سازمان های دولتی نیز مطیع دستور رژیم بودند.

بلی، آقای بازرگان با این مقایسه غلطشان آب نظهر بر سر آن ها که گلوله هایشان را بر مردم نشانه رفتانند می ریزند و با قید این موضوع که اطاعت از مافوق امری شرعی است، پرسنل را با ردیگر به اطاعت از فرماندهان یعنی مزدورانی نظیر شاکرها فلاحی ها و باقری ها و... دعوت می کند.

آقای بازرگان این را شنیده اند که برخی گروه های سیاسی مترقی و پرسنل انقلابی پس از انقلاب سخن از انحلال ارتش به میان آورده اند. اما هرگز مناقشان ایجاد نمی کنند که به شاخص...

بیشتر این مفهوم یعنی "انحلال ارتش" بپردازند. پرسنل انقلابی با راهایا کند کرده هدف از انحلال ارتش هرگز اسددام آن نبوده است. بلکه درهم شکستن سیستم حاکم بر اداره ارتش و شکل سازمانی آن و ایجاد ارتشی متشکل از مردم و سروهای انقلابی و پرسنلی که در رژیم گذشته دشمن به حسابی آلوده است می باشد. اما آقای بازرگان با تحریف این مسئله می خواهند برای خود به قیمت گنبد اسناد اطلاعاتی ها و فرماندهان مردود برای خود و بارانستان هوادار در... و بیاکنند و چاق سرگوب برای مردم را در جهت منافع خود حفظ نمایند. پرسنل انقلابی بار دیگر تاکید می کند.

اینک که محصول تمام پیروزمندان این حداقل رشد سیاسی مان بوده است، دیگر هرگز حاضر نیستیم با وضع سابق نادانسته از فرماندهان اطاعت کنیم و تا کسب حقوق حقه مان از پای خواهیم نشست.

دادگاه لاهه و شورای امنیت مؤسساتی در خدمت امپریالیسم امریکا

قراردارند و به گونه ای ابزارهای انقیاد خلق هائی هستند که برای رهایی از سلطه امپریالیسم مبارزه می کنند. ۳۳ سال فعالیت این سازمان ها تنها این راه را به انبساط می رساند که پیوسته علیه مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های سراسر جهان مژود استفاده فرار گرفته اند. هر چند پس از گذشت ۳۳ سال از تاریخ ایجاد این سازمان ها، تناسب قوا به نفع ملل ازبند رسته در حال تغییر است ولی هنوز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا با متحدین خود رهبری این سازمان های بین المللی را در اختیار دارد. مثلا در شورای امنیت از ۵ عضو دائمی آن، سه دولت امریکا، انگلیس و فرانسه با داشتن "حق ویتو" منافع امپریالیسم امریکا را در هر مازعه ای که ایجاد جهانی می یابد، تامین می کند.

قطعه نامه هائی هم که تحت مسازرت صدامیرالیستی ندر تا از این مجامع بین المللی صادر شده است - نظیر قطعنامه درباره فلسطین - عملا هیچگونه ضمانت اجرایی نداشته و پوششی برای خنایت های امپریالیسم جهانی بوده است.

دادگاه لاهه نیز به عنوان یک دادگاه بین المللی در تحلییل سبائی درست همان نقشی را دارا است که دادگاهها در یک جامعه سرمایه داری برای ادامه تسلط سدگران بر ستمکشان دارند. با این تفاوت که فعالیت دادگاه لاهه در عرصه بین المللی است و برای تنظیم روابط بین ملل به سود...

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا که هنوز بسر قسمت های وسیعی از جهان سلطه خود را گسترده است برای حفظ وندام حیات خود در حوضه جهانی ابزارهای گوناگونی در اختیار دارد.

کارتل ها و تراست ها و انحصارات سرمایه داری جهانی از طریق پیوندی که با اقتصاد کشورهای تحت سلطه آسیا و آفریقا و امریکا لاین دارند و بر زمین و خود نظام سرمایه داری که با هزاران رشته با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا پیوند دارند، نمای سلطه گرانه خود را مین می کنند.

دولت های وابسته امپریالیسم با پیتر فدیترین سیستم ها و نهاد های سرگوب، حافظ منافع امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار شریک آن است و سازمان های جاسوسی با تعداد حسابی، دستگاه های حقوقی و ساسی بین المللی به متابعت امیرالهی برای بازاری از جامع امپریالیسم در عباد بین المللی سازمان یافته اند.

این سازمان ها در سطح بین المللی همچون دستگاه های قانون گذاری و دادگاه های بزرگ، سرمایه داری برای اعمال خود و تحکیم سلطه امپریالیسم جهانی به خدمت نرغم می شود. در حقیقت دستگاه های نظیر شورای امنیت و دادگاه لاهه و سازمان ملل، عین امپریالیسم هستند که در خدمت ملل امپریالیست انحصارات و سرای داران...

سرمایه داری جهانی تاسیس یافته است. این دادگاه در حقیقت همانند سایر ابزارهای مشابه، برای اعمال فشار و ارعاب خلق های تحت سلطه سازمان یافته است. اکثریت آرای دادگاه لاهه و سازمان های حقوقی بین المللی نظیر آن، در حقیقت آرای امپریالیسم و متحدین آن است و تنها تبلیغات امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار وابسته به آن در کشورهای وابسته، بدان آب و رنگ عدالت طلبانه ای داده است. از این رو خلق های جهان برای رای دادگاه لاهه ارزشی قائل نیستند.

تشکیل فرمایشی دادگاه لاهه که قاضی انگلیسی "تافی" ریاست آن را بر عهده داشت و سیاه شکایت امپریالیسم امریکا تشکیل شد، با رای صادره به تاریخ ۲۴ آذرماه علیه مردم ایران که "اتفاق آرا" صادر شد، در حقیقت به غارت ها و کشتارهای امپریالیسم امریکادر مین ماصحه گذاشت.

دادگاه لاهه با محکوم کردن خلق قهرمان ایران به صدای بلند اعلام داشت که از سلطه عارتگرانه امپریالیسم امریکادر مین ماکه مرگ تدریجی صدها هزار زحمتکش ایرانی و فقر رسیدن بی سواد و خانه به دوش شدن بدنیال داشته است حمایت می کند. از همین رو است که توده های قیام کننده مین مایا قدرت و مبارزی به دادگاه لاهه می نگرند و برای رای آن عیج ارزشی قائل نیستند.

سال ۱۹۸۰ سال آزاد شدن آل سالدور خواهد بود

این جنبش پشتیبانی می کنند. همه ما مضمم شده ایم بیرونی یا کنته شویم.

کارگران اعتصابی کارخانه ساحی آل سالدور که مسخ هستند سخته گذشته، ۲۰۰۰ نفر را کروکان گرفتند تا کار فرما سارا و ادار کنند حقوقشان را امرای دعد و در هرمان احادیه ها را که دستگیر شده بودند آزاد نمایند.

او اعلام داشت "ما سر مشقوار مبارزات خلق نیکاراگوئه علیه بی نظامیانی که در آل سالدور حکومت می کنند، و فقر و گرسنگی و بدبختی نتیجه حکومت آنهاست، تا آخر مبارزه خواهیم کرد.

جنبش های مختلف آزاد بخش آل سالدور با یک وارد پیوسته وحدت شده اند و چهار میلیون اهالی آل سالدور که زیر سیوع ملاکین بزرگ رنج می برند، از نظام...

آل سالدور - "اسلمو" یکسایر فرماندهان برجسته جنبش چریکی آل سالدور اعلام دادند که سال ۱۹۸۰ سال آزاد شدن آل سالدور خواهد بود. "اسلمو" فرمانده "جنبش های رهایی مزی آل سالدور" است. او پیش بدوس چریک های سالدور است علیه رژیم سوبرا در سکارا گرت می حکمکد و اینک مبارزه چریکی جنبه خود را در آل سالدور رهبری می کند.

قسمتی از اطلاعاتی به شماره ۴ گروهی از روزنامه نگاران و خبرنگاران بیکار

حساب و بستنی داریم. به امید پیروزی خلق ها و محو کامل امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آنها و به امید روزی که نظومات ایران آزادی واقعی داشته باشند.

گروهی از روزنامه نگاران و خبرنگاران بیکار شده مطبوعات

آراد دوربان کند. هم مینان، نویسندگان آزاد و بیکار شده مطبوعات و کارگران بیکار شده این نشریات، چه در نشریه وجه در جابخانه ها یا اینکه سرسپردگان برای بیان حقائق و نظریات خود ندارند، اما از هر وسیله ممکن برای افشاکری استفاده خواهد برد و ما از همه شما و دیگر همکاران بیکار شده خود می خواهیم به ما پیوندید و از سازمان ها و گروه های مترقی اسطاز اعلام

هم مینان با ما همصدا نویسند و علیه اس تحریم ساسی و فرهنگی به خرید و به دورا تا بنسرت تبلیغات تک خانه، ممدام ار خودتان بپرسید "چرا این همه ستم و فشار؟ چرا اس همه بیکاری، چرا حفظ نظام سرمایه داری و دهی کچی به زحمتکشان ایران؟ چرا، چرا، چرا؟ و آن وقت متوجه می شوید که چرا می خواهید صدای نویسندگان متعدد را برسد و از صحنه مبارزات علیی در مطبوعات

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

با پاکسازی انقلابی کارخانه‌ها، مبارزه ضد امپریالیستی را ارتقاء دهیم

جندخبر کوتاه کارگری

پیروزی کارگران "حریز" نتیجه اتحاد انقلابی آنهاست

کارگران کارخانه حریز تصمیم به تشکیل شورا گرفتند. کارفرمای کارخانه (مدنی) برای جلوگیری از حرکت کارگران اقدام به اخراج دو نفر از کارگران به تاریخ ۱۱ آذر ۵۸ گرفت تا از این طریق مانع ایجاد شورا گردد. تداوم مبارزه کارگران برای تشکیل شورا و بازگشت کارگران اخراجی منجر به عکس العمل محدود کارفرما گردید و در تاریخ ۱۵ آذرماه ۵۸ ده نفر از کارگران را اخراج نمود. مبارزه بازگرداندن

کارگران کارخانه حریز تصمیم به تشکیل شورا گرفتند. کارفرمای کارخانه (مدنی) برای جلوگیری از حرکت کارگران اقدام به اخراج دو نفر از کارگران به تاریخ ۱۱ آذر ۵۸ گرفت تا از این طریق مانع ایجاد شورا گردد. تداوم مبارزه کارگران برای تشکیل شورا و بازگشت کارگران اخراجی منجر به عکس العمل محدود کارفرما گردید و در تاریخ ۱۵ آذرماه ۵۸ ده نفر از کارگران را اخراج نمود. مبارزه بازگرداندن

خبر تاسف باری از پالایشگاه تهران

ازدردی کارگری پالایشگاه تهران بعد از ۳۹ سال کار طاقت فرسا قبل از آن که به مرحله زنجیر شکنی برسد، در حین بازگشت از کار در آنجا

یاد علی مرادی کارگر رزغندة بندر خمینی (شاهپور سابق) گرامی باد

علی مرادی کارگر مبارز اداره بندر خمینی در یک حادثه ترافیکی جان سپرد و بدین برای تمام کارگرانی که او را می شناختند در خاطره ها جاودان ماند. علی مرادی کارگر رزغندة بندر خمینی نمونه یک کارگر مبارز بود که همواره در دوام و غیره ای طبعه کارگرانه داشتند و استقامت زوالمصفااتی بود که عمری حاصل کارشان را به غارت می بردند

کارگران آگاه چیت ممتاز مجمع عمومی شورای فرمایشی را بدادگاهی علیه کارفرما تبدیل کردند

در تاریخ ۱۹ آذرماه ۵۸ که شورای فرمایشی چیت ممتاز برای فریب کارگران و عوامفریبی تشکیل شده بود به وسیله کارگران آگاه تبدیل به جلسه محاکمه آنها گردید. کارگران آگاه با ارائه مدارکی پرده ازدزدی مقدم مدیر عامل شرکت و همکاری نمایندگان شورا با کارفرما برداشتن مدارک آن قدر مستدل و محکم بود که کارفرما و نمایندگان سازشکار شورا نتوانستند زیر پوشش اسلام و صلوات خود رانجات دهند.

در تاریخ ۱۹ آذرماه ۵۸ که شورای فرمایشی چیت ممتاز برای فریب کارگران و عوامفریبی تشکیل شده بود به وسیله کارگران آگاه تبدیل به جلسه محاکمه آنها گردید. کارگران آگاه با ارائه مدارکی پرده ازدزدی مقدم مدیر عامل شرکت و همکاری نمایندگان شورا با کارفرما برداشتن مدارک آن قدر مستدل و محکم بود که کارفرما و نمایندگان سازشکار شورا نتوانستند زیر پوشش اسلام و صلوات خود رانجات دهند.

اقدام قاطعانه کارگران "شرکت بارنویس بندر" خرمشهر

از آنجا که مبارزه با سرمایه داری وابسته را بخشی از مبارزات با امپریالیسم می دانیم، لذا در تاریخ ۱۸ آذر ۵۸ جهت تحقق خواستهای خویش و خلع پید از سرمایه داران وابسته به رژیم قبلی و پایداری آنها در خطوط کشتیرانی، دست به تحصن در شرکت بارنویس زده و مدیر عامل و عده ای از کارکنان را در محل خود به گروگان می گیریم. در برابر اقدام قاطعانه کارگران عدو پنهانهای دلالان و پادوان انحصارهای جهانی بی شکر گردید و آنها مجبور شدند خواسته های برحق کارگران را بپذیرند.

خوزستان - کارگران "شرکت بارنویس بندر" خرمشهر، در اعتراض به بی توجهی مقامات دولتی به مطالبات برحق آنان و در ادامه مبارزه با سرمایه داری وابسته به امپریالیسم دست به اقدامی انقلابی زدند. آنها در تاریخ ۱۸ آذر ۵۸ با گروگان گیری مدیر عامل شرکت، همراه با ۲۵ نفر از مدیران و سهام داران شرکت های کشتیرانی، به این بی توجهی پاسخ دادند. در قطعنامه ای که از طرف شورای کارگران به دنبال این اقدام صادر شد، آمده است.

مورد بسیار ارحم کند " در آن واحد هم اعتصاب مکتوب فدراسیون و هم اعتصاب سراسری راه آهن را درهم شکند. مذاکرات و پیشنهادات مهندس بازرگان و توصیه ها و فتوای آیت الله شریعتمداری به هیچ وجه نتوانست شورای کارگران راه آهن را از راه درست و انقلابی اش منحرف نماید و تصمیم گرفته شد که ناآحا که کوچکترین لطمه ای به اعتصاب نعت و راه آهن نزنند، در این مورد اقدام نموده و تنها یک قطار حامل نعت که در شروع اعتصابات در بین راه حرمشهر - تهرآن متوقف مانده بود، به تهرآن فرستاده شود.

شورای کارگران راه آهن همچنین آگاهانه توطئه امپریالیستی دیگری را خنثی نمود. رژیم شایع کرده بود که تهران به گندم نیاز مبرمی دارد و لازم است چندین واگن گندم که تهران ارسال شود، در حالی که واقعیت این بود که ارتباطات صد خلقی شاه می خواست آنلحه و مهمات و توپ و تانک به تهرآن انتقال دهد.

کلوله به جای نان برای مردم مبارز تهران، کارگران آگاه راه آهن این توطئه را برافشاند و حتی کردند. همچنین وقتی که در اثر فقدان دغال سنگ کبود لمد ذوب آهن در خطر صایع شدن قرار گرفت، شورای کارگران راه آهن به انکای تشکیل یک کارگتی و ارسال به موقع دغال سنگ، ذوب آهن را از خطر انهدام رها نمود. در پی این مبارزات شورا بارها شایستگی رادار اداره امور و تصمیم گیری های اصولی بر اساس منافع کارگران و جنبش انقلابی نشان داد. اما آنسای بازرگان " نخست وزیر منتخب امام " در اولین فرصت (۲۵ روز پس از قیام شکوهمند و خونین بهمن ماه) با انتصاب مهندس حبیبی (این مهره امپریالیسم امریکاکاز امریکائی ها به مناسبت خوش خدمتی هایش نشان لیاقت گرفته بود) به ریاست راه آهن عملاً مسئولیت شورای کارگران را نگی کرده و آب سردی بر ششور مبارزه جوانان آنان ریخت تا مبارزه کارگران را در جهت تصفیه عناصر سرسپرده و سازشکار اداره راه آهن توسط شورای کارگران به بیراهه کشاند. تمام مهره های که در طول مبارزه توسط خود کارگران از راه آهن و به ویژه از کارخانجات اخراج شده بودند و تمام ساواکی های که توسط کارگران شناسائی شده اند، مجدداً به کار گرفته شدند و پولی که می بایست برای پرداخت شش ماهه اول سال کارگران پرداخت شود، به جیب این مزدوران ریخته می شود در حال حاضر پاکسازی انقلابی و کلیه عناصر ساواکی و سرسپردگان امپریالیسم ادامه همان مبارزاتی است که کارگران مبارز

راه آهن دولتی ایران به عنوان یک موسسه عظیم ارتباطی و حمل و نقل با بیش از ۳۵ هزار کارگر و کارمند در سراسر ایران و به مناسبت یکی از بزرگان های حیاتی امضا کشور، از موقعیت مهمی برخوردار است. راه آهن در راس همه موسسات حمل و نقل موجود در ایران صرف نظر از جنبه صرف خدماتی اش در حمل و نقل و ارتباطات، از نظر استراتژیک و نقش که در حیات سیاسی جامعه می تواند داشته باشد، حائز اهمیت فراوانی است. شرکت فعالانه و یکپارچه کارگران مبارز راه آهن در اعتصابات همگانی در جریان قیام که سیستم حمل و نقل ارتش را از نظر سوخت و تسلیحات فلج نموده و تحرک نیروهای سرکوبگر رژیم شاه را به حداقل رسانید، اهمیت استراتژیک این رشته را در ضربه زدن به رژیم به خوبی نشان داده است. کارگران رزمنده و پیشرو راه آهن در جریان قیام در یافتن راه آهن یکی از سنگرهای مبارزاتی ضد امپریالیستی است. کارگران مبارز پس از آنکه در نهم دیماه ۵۸ به مشکل ترین مبارزه خود علیه رژیم شاه دست زدند، با درک اهمیت مبارزه خود و ضرورت پیگیری سازش ناپذیری هر چه بیشتر به تشکیل " کمیته اعتصاب همت گماشتند. همسر کارگران راه آهن طین صدای یکی از یاران مبارز خود را به یاد دارند که در حلقه محاصره پلیس و مأموران حکومت نظامی فریاد می زد:

" ناپلیس و ارتش مزدور شاه و امپریالیسم هیچ سازش و مسالمتی نداریم. مبارزه تا پیروزی کامل ادامه خواهد داشت. " در همان روزهای اول کارگران به شوه ای انقلابی کلیه عناصر سرسپرده و مزدور و ضد کارگر را بیرون ریختند. پس از یک هفته " کمیته اعتصاب " در جریان تکامل خود تبدیل به شورای منتخب کارگران راه آهن گردید که با ۵۷ نماینده از بخش های مختلف راه آهن از فعالیت فعال و بی چون و چرای کلیه کارگران برخوردار بود. این شورا از بدو تشکیلش فعالانه در جهت سازماندهی و رهبری کارگران گوشید و مبارزه را از درون کارخانجات به خیابان ها و به میان مردم و در کنار دیگر همسنگران زحمتکش خویش کشانید عملکرد شورا چه در رابطه با خلع پیداروسا و مدیران سرسپرده و چهار لحاظ رهبری و جهت دادن به مبارزه و کارگران، سمتی اصدا امپریالیستی داشت. اما بورژوا لیبرال ها و سرسپردگان سازشکار آن که ادعای ضد امپریالیست بودن هم داشته اند از ترس این که مبادا گسترش اعتصابات کارگری رشته کارها را اردستان خارج کند به دست و پا افتاده و سعی نمودند تحت این عنوان که " مردم به نفت احتیاج دارند و راه آهن می بایست نفت

مورد بسیار ارحم کند " در آن واحد هم اعتصاب مکتوب فدراسیون و هم اعتصاب سراسری راه آهن را درهم شکند. مذاکرات و پیشنهادات مهندس بازرگان و توصیه ها و فتوای آیت الله شریعتمداری به هیچ وجه نتوانست شورای کارگران راه آهن را از راه درست و انقلابی اش منحرف نماید و تصمیم گرفته شد که ناآحا که کوچکترین لطمه ای به اعتصاب نعت و راه آهن نزنند، در این مورد اقدام نموده و تنها یک قطار حامل نعت که در شروع اعتصابات در بین راه حرمشهر - تهرآن متوقف مانده بود، به تهرآن فرستاده شود.

شورای کارگران راه آهن همچنین آگاهانه توطئه امپریالیستی دیگری را خنثی نمود. رژیم شایع کرده بود که تهران به گندم نیاز مبرمی دارد و لازم است چندین واگن گندم که تهران ارسال شود، در حالی که واقعیت این بود که ارتباطات صد خلقی شاه می خواست آنلحه و مهمات و توپ و تانک به تهرآن انتقال دهد.

کلوله به جای نان برای مردم مبارز تهران، کارگران آگاه راه آهن این توطئه را برافشاند و حتی کردند. همچنین وقتی که در اثر فقدان دغال سنگ کبود لمد ذوب آهن در خطر صایع شدن قرار گرفت، شورای کارگران راه آهن به انکای تشکیل یک کارگتی و ارسال به موقع دغال سنگ، ذوب آهن را از خطر انهدام رها نمود. در پی این مبارزات شورا بارها شایستگی رادار اداره امور و تصمیم گیری های اصولی بر اساس منافع کارگران و جنبش انقلابی نشان داد. اما آنسای بازرگان " نخست وزیر منتخب امام " در اولین فرصت (۲۵ روز پس از قیام شکوهمند و خونین بهمن ماه) با انتصاب مهندس حبیبی (این مهره امپریالیسم امریکاکاز امریکائی ها به مناسبت خوش خدمتی هایش نشان لیاقت گرفته بود) به ریاست راه آهن عملاً مسئولیت شورای کارگران را نگی کرده و آب سردی بر ششور مبارزه جوانان آنان ریخت تا مبارزه کارگران را در جهت تصفیه عناصر سرسپرده و سازشکار اداره راه آهن توسط شورای کارگران به بیراهه کشاند. تمام مهره های که در طول مبارزه توسط خود کارگران از راه آهن و به ویژه از کارخانجات اخراج شده بودند و تمام ساواکی های که توسط کارگران شناسائی شده اند، مجدداً به کار گرفته شدند و پولی که می بایست برای پرداخت شش ماهه اول سال کارگران پرداخت شود، به جیب این مزدوران ریخته می شود در حال حاضر پاکسازی انقلابی و کلیه عناصر ساواکی و سرسپردگان امپریالیسم ادامه همان مبارزاتی است که کارگران مبارز

مورد بسیار ارحم کند " در آن واحد هم اعتصاب مکتوب فدراسیون و هم اعتصاب سراسری راه آهن را درهم شکند. مذاکرات و پیشنهادات مهندس بازرگان و توصیه ها و فتوای آیت الله شریعتمداری به هیچ وجه نتوانست شورای کارگران راه آهن را از راه درست و انقلابی اش منحرف نماید و تصمیم گرفته شد که ناآحا که کوچکترین لطمه ای به اعتصاب نعت و راه آهن نزنند، در این مورد اقدام نموده و تنها یک قطار حامل نعت که در شروع اعتصابات در بین راه حرمشهر - تهرآن متوقف مانده بود، به تهرآن فرستاده شود.

شورای کارگران راه آهن همچنین آگاهانه توطئه امپریالیستی دیگری را خنثی نمود. رژیم شایع کرده بود که تهران به گندم نیاز مبرمی دارد و لازم است چندین واگن گندم که تهران ارسال شود، در حالی که واقعیت این بود که ارتباطات صد خلقی شاه می خواست آنلحه و مهمات و توپ و تانک به تهرآن انتقال دهد.

کلوله به جای نان برای مردم مبارز تهران، کارگران آگاه راه آهن این توطئه را برافشاند و حتی کردند. همچنین وقتی که در اثر فقدان دغال سنگ کبود لمد ذوب آهن در خطر صایع شدن قرار گرفت، شورای کارگران راه آهن به انکای تشکیل یک کارگتی و ارسال به موقع دغال سنگ، ذوب آهن را از خطر انهدام رها نمود. در پی این مبارزات شورا بارها شایستگی رادار اداره امور و تصمیم گیری های اصولی بر اساس منافع کارگران و جنبش انقلابی نشان داد. اما آنسای بازرگان " نخست وزیر منتخب امام " در اولین فرصت (۲۵ روز پس از قیام شکوهمند و خونین بهمن ماه) با انتصاب مهندس حبیبی (این مهره امپریالیسم امریکاکاز امریکائی ها به مناسبت خوش خدمتی هایش نشان لیاقت گرفته بود) به ریاست راه آهن عملاً مسئولیت شورای کارگران را نگی کرده و آب سردی بر ششور مبارزه جوانان آنان ریخت تا مبارزه کارگران را در جهت تصفیه عناصر سرسپرده و سازشکار اداره راه آهن توسط شورای کارگران به بیراهه کشاند. تمام مهره های که در طول مبارزه توسط خود کارگران از راه آهن و به ویژه از کارخانجات اخراج شده بودند و تمام ساواکی های که توسط کارگران شناسائی شده اند، مجدداً به کار گرفته شدند و پولی که می بایست برای پرداخت شش ماهه اول سال کارگران پرداخت شود، به جیب این مزدوران ریخته می شود در حال حاضر پاکسازی انقلابی و کلیه عناصر ساواکی و سرسپردگان امپریالیسم ادامه همان مبارزاتی است که کارگران مبارز

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

مبارزات زحمتکشان ارامنه

شده بود که صاحب آن اتفاقا همان سردبیر روزنامه البیک از آب درمی آید. زن توضیح داد که چاقو کشتن حزب فاشیستی دانشناکسیون که سردبیر روزنامه البیک عضو کمیته مرکزی آن است در روز پیش با هجوم به خانه مذکور اثابته زن را به خیابان ریخته اند. کارگرد بگری در مورد عضو دیگری از اعضا شورای خلیفه گری به نام ویگن گورگیان دست به افشاکری زد. ویگن گورگیان که صاحب ۴ کارخانه صنعتی می باشد و مبالغ هنگفتی حاصل دسترنج کارگران را غارت می کند از جمله مقداری از حقوق و مزایای کارگر مذکور را پرداخت نکرده و یک سال ونیم دوندگی این کارگر به حایسی نرسیده است.

به این ترتیب در اجتماع روز دوشنبه مردم ضمن افشاکگری از ماهیت شورای خلیفه گری وابستگی آن را به حزب دانشناکسیون که مدافع سرمایه داران وابسته است، محکوم نمودند. (شایان ذکر است که حزب مذکور در زمان دیکتاتوری شاه همکاری های چشمگیری با ساواک و سیا داشت. در ایران و سایر کشورها مانند سوریه، مصر، لبنان فعالیت داشته و علیه منافع زحمتکشان ارمنی و در اختلاف با بورژوازی وابسته و حکومت های ارتجاعی عمل می نموده است و بالطبع اکنون نیز همین فعالیت ها ادامه دارد.)

همزمان با انجام این افشاکری ها حزب فاشیستی دانشناکسیون بیگار معانده و بایلندگو و به صد ا در آوردن ناقوس ها و اعلان های دروغین مبنی بر این که عده ای از ترک ها به کلیسا حمله کرده و اسف اعظم راه گروگان گرفته اند. احساسات مردم را تحریک نمودند و مردم ناگاه راه صحن کلیسا آوردند. همراه مردم حدود ۲۵ تن از قه کشان و اراذل وابسته به دانشناکسیون که به کمک محافظان ارتجاعی مسلح به یوزی و کلت هستند به مردم زحمتکش حمله کردند.

طبق خبرهای رسیده قه کشان از روزهای پیش در کلوب ارامنه نقشه حمله به تجمعات زحمتکشان را ریخته بودند. به همین دلیل اقدام فاشیستی آنها فقط به روز دوشنبه محدود نشد و در روزهای بعد به انجمن آرمین و هزاران نیز پیش بردند و تعداد مجروح نمودن عده ای کلیه وسایل موجود در انجمن هارا شکستند و با برداشتن لیست اعضای انجمن های مذکور، فرار کردند.

اکنون زحمتکشان ارمنی به ویژه بعد از مشاهده عینی این اقدامات حایب است از سوی حزب مذکور و شورای خلیفه گری وابسته به آن هر چه بیشتر در مبارزات خود مصمم شده اند و همچنان خواستار انجلا ل شورای سرمایه داران و انجام انتخابات آزاد هستند و پشتیبانی سرمایه داران ارمنی محکوم می کنند.

پرتوان باد مبارزات همه زحمتکشان خلق

بقیه از صفحه ۱

فکران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان ...

برای هر روز کار در سر چاه حتی اگر هیچ گونه عملیات حفاری انجام ندهند، حدود ۱۰ هزار دلار در روز.

بر این ها باید هزینه های تأخیر (سورشارژ) در عملیات، هزینه ادوات، هزینه حمل و نقل و لوازم و پیرسل به نقاط دور افتاده، هزینه کالاهای لازم برای عملیات حفاری، هزینه کادر اضافی لازم برای عملیات و هزینه های تأمین آب، نقل و انتقالات، استراحت گاه ها و تأمین حفاظت را افزود. که از سوی "شرکت ملی نفت ایران" و به حساب طبقه کارگر ایران پرداخت می شد. همچنین باید اضافه کرد که این شرکت ها در واردات کالاها و تجهیزات خود از پرداخت هرگونه عوارض مالیاتی معاف بودند و هیچ گاه هزینه خسارات را پرداخت نمی کردند و از اینجا بود که هزینه کار حفاری بر سر یک چاه در خشکی تا ۲۵۰۰۰ دلار در روز می رسد. و این موجب می شد که هزینه حفاری یک چاه با مشخصات کاملاً مناسبه در ایران ۱۱ برابر امریکا باشد. در حالی که بسیاری از کالاهای ویژه نیروی انسانی مورد استعمار این شرکت ها در ایران، حتی ارز آن بر از امریکا بود. امام، ساه در مورد چاه های دریایی، عاریکسری امپریالیسم ارامنه نفی میهن ما و مدت استعمار از طبقه کارگر ایران را به گونه وحشتناک سری شان می دهد.

حربان عارت و بهره گیری از شرکت های امپریالیستی حفاری و خدمات حسی در ایران چنان عریان است که فقط کافی است نگاهی به جدول زیر برسید از بیم.

نام شرکت	تعداد کل دارایی اولیه	درآمد در سال ۱۹۷۷ (دلار)
سدکسو	۸	۲۴۰۲۶۴۵۴۹
ریدینگ اند بیس	۵	۲۰۰۰۵۵۲۱۳
ایران ریدینگ اند بیس	۴	۲۴۰۲۶۰۰۵۵
سانتافه	۶	۳۴۰۳۰۲۷۰۱
سد ایران	۸	۱۸۰۵۰۰۰۰۰
وستگرن	۴	۲۴۰۲۴۴۰۰۰

ماخذ: قراردادها و همچنین پرداخت های ماهانه شرکت نفت به شرکت های حفاری.

البته این جدول فقط عملکرد تعداد معدودی از شرکت های را که در جنوب ایران، به فعالیت های حفاری و خدمات حسی مشغول بوده اند، نشان می دهد. بسیاری از شرکت های دیگر امپریالیستی که عمدتاً امریکائی هستند سیزده طول سال های گذشته در حیران حفاری چاه های نفت به غارت از منابع نفت و بهره گیری از کارگران مشغول بودند. این امر موجب می شد که مثلاً در سال ۱۹۷۷ میلادی به حساب طبقه کارگر ایران مبلغ ۲۳۱۰۴۹۰۵۹۹ دلار به این شرکت ها پرداخت شود.

ادامه دارد

آوردند. البته ورود شرکت های جدید به صحنه حفاری و رقابت آنان موجب کاهش هزینه های حفاری نشد، بلکه این شرکت ها سال به سال با بستن قراردادهای جدید با شرکت نفت دریافت های خود را افزایش می دادند. بطوریکه در عرض مدت ۱۰ سال گذشته هزینه حفاری چاه در مناطق نفت خیز بیش از ۱۰ برابر گشته است. در حالی که دکل های حفاری شرکت های امپریالیستی در ایران پس از سال ها و با نسیخ رسمی استهلاک ۱۲/۵٪ در سال مستهلک می شد. ولی همچنان استفاده از آنها ادامه داشت و این خود خطرات فراوانی را در بر داشت که بطور خلاصه و از آن میان می توان به آتش گرفتن چندین چاه در سال های گذشته، از بین رفتن جان تعداد زیادی از کارگران و میلیون ها بشکه نفت و میلیاردها متر مکعب گاز اشاره کرد. حتی این شرکت ها برای سلطه هر چه بیشتر خود در امر حفاری چاه نفت در ایران، پس از سال ها که از بسک دکل استفاده می کردند آن را به شرکت های مختلف ایرانی - خارجی به قیمت های سرسام آور می فروختند. همی حیران موجب پدید آمدن شرکت های حفاری "سد ایران" و "ایران ریدینگ اند بیس" (سرمایه ایرانی) شد. و به این ترتیب طبقه سرمایه دار ایران در مشارکت با سرمایه داری جهانی (امپریالیسم) اعرعار، مانع نفت و بهره گیری بی رحمانه از طبقه کارگر ایران سهم خویش را دریافت می دارد.

چرسی قرارداد های حفاری که بین "شرکت ملی نفت ایران" و این شرکت ها بسته شده، عملکرد

امپریالیسم در یک جامعه تحت سلطه راه جوسی نشان می دهد. درآمد سالانه هر یک از این شرکت ها و شرکت های حفاری چاه به چند برابر ارزش اولیه کلیه وسایل و تجهیزات آنها می رسد. این شرکت ها در حیران حفر هر چاه در خشکی در سال ۱۳۵۶ مبالغ زیر را دریافت می داشتند. برای انتقال دکل حفاری به محل حفاری از ۴۷ هزار تا ۱۱۴ هزار دلار. برای حفر هر متر چاه حدود ۱۷۰ دلار و بیشتر.

بسیار آغاز شد. با انعقاد قرارداد امپریالیستی "داری" در سال ۱۹۵۱، انحصارات نفتی مالکیت خود را بر چاه های نفت ایران تدارک دیدند و با گسترش روابط خود آنها را کاملاً در اختیار گرفتند.

امپریالیسم انگلیس به تدریج و با گسترش روز افزون عملیات خود به این نتیجه رسید که از آن ترسین نیروی کار (بدون احتیاج به هزینه های حمل و نقل، میکس و تغذیه و...) همان نیروی کار محلی است. به این ترتیب دست به استعمار روز افزون زحمتکشان ایران زد. در دهه نخست، این نیروی کار محلی عمدتاً به وسیله قراردادهای که با شیوخ، خان ها و کدخداهای هر محل بسته می شد، مورد استعمار دو جانبه و وحشتناک قرار می گرفت. گسترش تجارت امپریالیسم از منابع نفت و افزایش نرخ بهره کشی انحصاری از کارگران ایرانی، با بیگاری و وحشتناک کارگران نفت در اکتشاف و استخراج و پالایش و به ویژه در عملیات حفاری بود. تاسی امپریالیسم انگلیس و حای ها و شیوخ محلی، از یک سو و سرپرستی بی چون و چرای دولت مرکزی از سوی دیگر راه را برای استعمار و حشانه کارگران باز نهاده بود. بدون این که هیچ گونه ضابطه و قانونی در سیستم نیمه مستعمره نیمه فئودال آن روز ایران برای احقاق حقوق پاهمال شده طبقه کارگر وجود داشته باشد. کارگر ایرانی به ویژه در عملیات حفاری به ابتدائی ترین و در عین حال طاقت فرساترین کارها مگمارده می شد و در گرمای سوزان تابستان جنوب و سرما و باران زمستان، در کوه ها، دره ها و صحراهای خشک به حفر چاه مشغول بود. در این جریان بیگاری کشنده بسیاری از کارگران ناقص العضو شده، یا جان خود را از دست می دادند. با همه این احوال و حتی پس از فتنی کارگران حفاری، دیدیم که در جریان ملی شدن صنعت نفت، همین کارگران به همراه مهندسی ایرانی توانستند در کوتاه ترین مدت و مستقلاً چاه نفت حفر نمایند و غارت منابع نفت و بهره گیری از طبقه کارگر.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و انعقاد قرارداد کنسرسیوم، امپریالیسم جهانی به خاطر گسترش بازارهای خود و رشد پروژه تراکم تولید هر روز به تعداد بیشتری چاه نفت نیاز پیدا می کرد. به این ترتیب عملیات حفاری گسترش یافت و سال به سال به تعداد دکل های حفاری افزوده شد. در رابطه با این افزایش نیاز به چاه های جدید بود که شرکت های امپریالیستی برای هجوم به مناطق نفتی ایران باید یکدیگر به شدت رقابت می کردند. ولی شرکت حفاری بین المللی "سدکسو" (که از بزرگترین شرکت های امپریالیستی حفاری در جهان است) در طول سال های دهه ۳۰، انحصار حفاری چاه های نفت در مناطق نفت خیز جنوب را در اختیار خود داشت ولی به تدریج و از واسطه دهه ۴۰، شرکت های حفاری "ریدینگ اند بیس، سانتافه، وست برن، اینتردریل" و ده ها شرکت خدمات جنبی و وابسته به حفاری نفت به ایران هجوم

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمواوغلی «هرچه حیدر خان بگوید راست است»

بقیه از صفحه ۱

(ستارخان)



حیدر عمواوغلی در "تقریرات" خود می گوید: "حوزه خصوصی مخفی پس از بحث های طولانی تصمیم می گیرد که برای اعلام خطر به مستبدین، به خانه وزیر مخصوص بمبی انداخته شود. چند نفر امروز این کار می شوند. ولایتی اینها در هنگام عملیات ترسیده، بمب را در خانه زهاکرده فراری کنند. بمب منفجر نشده، به دست ماموران دولت می افتد. مستبدین این اخطار را جدی تلقی نکرده و همچنان به ترورهای ضدانقلابی خود ادامه می دهند. این باوجود مخفی رای می دهد که بمبی به خانه بگسی از درباریان فاسد به نام علاء الدوله پرتاب شود. وحیدر عمواوغلی ماموریت انجام آن را به عهده می گیرد.

محمدعلی میرزای سرکوب نهضت مشروطیت، اتابک یعنی یکی از مهره های اصلی استعمار روسیه تزاری و صدراعظم مستبد زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه را از اروپا به تهران فرامی خواند. اتابک از همان لحظه ورود خود به ایران ابتدا بارشوه عده ای از نمایندگان خائن مجلس را با خود همراه می کند و سپس سرکوب خونین جنس نوده ای در تهران و تبریز را با پشتیبانی "شیخ فضل الله نوری" و دیگر روحانیون قشری سازمان می دهد در چنین شرایطی است که حیدر عمواوغلی در "تقریرات" خود می گوید:

"حوزه مخفی اجتماعین، عامیون تهران کسسه ملک المتکلمین و آقا سید جمال واعظ در آن عضویت داشتند اعدام اتابک را رای داده، حکم اعدام اتابک را به کمیته اجراء می فرستد."

کمیته اجرائی عملیات اعدام انقلابی اتابک را به کمیته دهه که تعداد آن ۱۲ نفر و ریاست آن به عهده حیدر عمواوغلی بود واگذار کرد. "عباس آقا" تبریزی به حکم فرعه برای این کار انتخاب شد و "ترور سرخ" اتابک به انجام می رسد و عباس آقا جان خود را بر سر این کار می نهد و به شهادت می رسد. از جیب او کارتی به دست می آید که بر روی آن نوشته شده بود:

"عباس آقا صراف آذربایجانی، عضو انجمن شماره ۴۱ فدائی ملت"

اقدامات این زمان حیدر عمواوغلی از تمام جهات ترورهای سرخ به حساب می آید، او در "تقریرات" درباره نتایج اعمال انقلابی سوسیال - دمکراسی انقلابی چنین می گوید:

"طرف عمرباحاجی خان به طرف خیابان لاله زار آمدیم که بسیمین واقعه دینب چه تأثیری در افکار مردم داده است. بلی این مسئله تأثیرات فوق العاده در مردم داده است. حتی اروپائی های مقیم تهران نیز عقیده پیدا کرده می کنند که ایران دیگر ایران سابق نیست، دیگر ملت به حقوق خود واقف شده، حق گرفته شده از دولت را به خوبی نگاهداری خواهند کرد."

مطالعه اسناد موجود نحوه برخورد و تفکر حیدر عمواوغلی را نشان می دهد. او از تجارب شکست قیام دسامبر ۱۹۰۵ روسیه برخوردار بوده است. حیدر عمواوغلی در "منشآت" خود، اعتقاد منشویک های روسی را، پس از سرکوب قیام دسامبر ۱۹۰۵، مبنی بر این که "نمی بایست" اسلحه به دست گرفت "سخت مورد انتقاد قرار می دهد و نشان می دهد که چگونه بر اعتقادات لنین وفادار و معتقد مانده است. او یکی از پیروان صدیق راه لنین بود. او در تمام فعالیت های سیاسی خود نشان می دهد که به اصول "لنینی" مبارزه طبقاتی وفادار است و بر آشتی ناپذیر بودن تضادهای طبقات متخاصم اعتقاد عمیق دارد.

برخلاف "توده ای ها" که بر سر میراث رفیق حیدر عمواوغلی هوچگری می کنند - رفیق حیدر عمواوغلی به نخستین درس کبیر قیام دسامبر ۱۹۰۵ که لنین آنرا چنین جمع بندی کرده است عمیقاً وفادار می ماند. "بنابر این چیزی کوهت بیانه تر از نظریه پلخانف نیست که تمام اپورتونیست ها به آن چسبیده اند و بر طبق آن نمی بایست به اعتصاب قبل از موقع پرداخت و دست نمی بایست دست به اسلحه برد. برعکس، از این هم قطعی تر وجودی تر و با قصد تعرضی بیشتری بایستی دست به اسلحه برد. لازم بود به توده ها فهماننده شود که تنها اعتصاب مسالمت آمیز غیر ممکن است و لزوم یک مبارزه مسلحانه بی باکانه و بی رحمانه را به آنها توضیح داد و بالاخره حالا ما باید آشکار و پنهان صدای رسای عدم کفایت اعتصاب های سیاسی اعتراف کنیم، باید قیام مسلحانه را در میان وسیع ترین توده ها تبلیغ نمائیم و ضمناً این مسئله را با هیچگونه مراحل مقدماتی پرده پوشی نکنیم و هیچ لفافه ای روی آن نکشیم. هرگاه لزوم یک جنگ فداکارانه، یک جنگ خونین و نابود کننده را که وظیفه مستقیم عملیات آینده است، از توده ها مستور داریم، هم خود را فریب داده ایم و هم توده های خلق را.

"لنین - درسهای قیام مسکو" ادامه دارد

در این زمان حیدر عمواوغلی به سازماندهی مناسب شرایط دست زد و انقلابیون ایران را در حوزه های "خصوصی" و "عمومی" متشکل ساخت. حوزه های خصوصی هسته اصلی و رهبری کننده سوسیال دمکراسی انقلابی بود و تا ۷ عضو داشت و در حوزه های عمومی تا پیش از ۲۰ عضو متشکل بودند

حوزه های عمومی پس از تشکیل انجمن های محلی که کسسه گوناگون ارگان های حاکمیت بوده ها بود، منحل شدند و اعضا آن نقش فعالی در سازماندهی و هدایت انجمن ها بر عهده نرسید. "حوزه های خصوصی" به صورت مخفی به حیات خود ادامه دادند و از طریق اجتماعین و عامیون بازرگان، با حزب سوسیال - دمکرات کارگری روسیه ارتباط یافتند. محافل سوسیال دمکراسی به تدریج در تهران آذربایجان، گیلان و ارومیه سازمان یافتند و رفیق حیدر عمواوغلی در پیوند این محافل نقش فعالی بر عهده می گیرد. به این ترتیب زمینه های لازم برای تشکیل حزب کمونیست ایران فراهم می آید.

حیدر عمواوغلی و انقلاب مشروطیت. به هنگام اوج گیری جنبش مشروطیت، حیدر عمواوغلی در تهران، در کارخانه برق حاج حسین امین الضرب، کار می کرد. در این هنگام حکومت مطلقه ربر فشار مبارزات اعتلا یافته توده های مردم که بارهبری بورژوازی ایران انجام می گرفت، درهم فرومی شکست. حیدر عمواوغلی در این هنگام نقش فعالی در پیشبرد سازماندهی جنبش به عهده گرفت. او فعالانه در سازماندهی راهپیمائی های خیابانی و تحصن ها شرکت نمود. اسناد موجود نشان دهنده نقش فعال حیدر عمواوغلی در تحصن مسجد سیه سالارو سفارت انگلیس است. نتیجه این مرحله از مبارزات مردم و انقلابیون تسلیم مظفرالدین شاه به اراده ملت بود که مظفرالدین شاه را مجبور به قبول مشروطیت کرد.

قابل تأکید است که در همین زمان نخستین تشکلهای توده ای کارگری در تهران، خراسان، آذربایجان و گیلان با کوشش سوسیال دمکرات های انقلابی و رهبری حیدر عمواوغلی سازمان می یابد.

مظفرالدین شاه که تمام تلاش خود را برای سرکوب مبارزات مردم به کار گرفته بود، می میرد و محمد علی میرزا جانشین او می شود. "شاه جدید" نیز با همکاری درباریان و مستبدین دیگر و با پشتیبانی تزاریسیم و امپریالیسم انگلیس با تمام نیرو به سرکوب انقلاب و آزاد بخوانان و انقلابیون می پردازد. انقلاب در محاصره فئودال ها، سازشکاران و حامیان امپریالیست آنان قرار می گیرد و از هر سو ضرباتی بر پیکر جوان آن وارد می آید. هدف از وارد آوردن این ضربات درهم شکستن انقلاب ایران بود. توده ها درمی یافتند که مبارزات مسالمت جوینان آنان برای درهم شکستن استبداد فئودالی که به سلاح های بلژیکی، انگلیسی و روسیه تزاری مجهز است، کافی نیست. آنها در آستانه قیام مسلحانه قرار داشتند.

حیدر عمواوغلی درمی یابد که توده ها را باید مسلح کند. او فعالانه به تدارک این امر می پردازد. رفیق

بیگانه از مسیر رشد طبیعی باز ماند و نتوانست به یک بورژوازی صنعتی ارتقاء یابد. حصلت تجاری این بورژوازی رهبری آن را در پیوندهای با امپریالیسم و فئودالیسم قرار می داد و در مبارزه با این دو ناپیگیر و نااستوارش می ساخت نتیجه ناگزیر این امر فقدان طبقه کارگر صنعتی در صدر مشروطیت ایران بود. با این همه مناسبات سرمایه داری رام آرام گسترش می یافت و طبقه کارگر ایران پایه عرصه می نهاد.

بر این زمینه ایده های بورژوازی توسط نمایان آن در جامعه اناعه می یابد. ادبیات انقلاب فرانسه در قالب های آشنا با فرهنگ ایرانی توسط "مستشرق ها" و اشرافیت آشنا به تمدن غرب و علاقمند به مناسبات بورژوازی تبلیغ و ترویج می شود. نخستین کتاب هایی که در آن از "قانون" و "حکومت قانون" سخن می رفت انتشار می یابد و مبارزه با حکومت فئودالی هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند. روشنفکران و ترقی خواهان از آزار و تعقیب حکام در امان نمی مانند و بسیاری از آنان مجبور به مهاجرت می شوند.

پدر حیدر عمواوغلی به خاطر داشتن عقاید مترقی مورد آزار و تعقیب حکام وقت قرار می گیرد. "حیدر" هنوز کودک بود که با خانواده خود به قفقاز مهاجرت می کند.

آشنائی با سوسیال - دمکراسی انقلابی. حیدر عمواوغلی "تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قفقاز به پایان آورد و در تطبیس در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد. عمواوغلی در "تقریرات" خود می گوید: "از دوازده سالگی وارد فعالیت های سیاسی شدم."

سالهایی که حیدر عمواوغلی در روسیه به تحصیل اشتغال داشت، جنبش کارگری و سوسیال دمکراسی انقلابی روسیه در حال اعتلا بود. حیدر عمواوغلی با محافل سوسیال - دمکراسی روسیه آشنا شد و فعالان در جنبش کارگری روسیه شرکت نمود. در این زمان سوسیال دمکراسی روسیه و به ویژه سوسیال دمکرات های انقلابی قفقاز به جنبش انقلابی در حال بلوغ ایران توجه خاصی مبذول می داشتند. حضور کارگران مهاجر ایرانی در محافل قفقاز زمینه مساعدی برای فعالیت در بین ایرانیان فراهم می آورد.

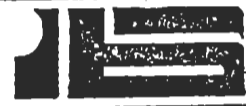
حیدر عمواوغلی در جریان آشنائی با محافل سوسیال - دمکراسی روسیه به "لنین" "گرویدویا" انقلابیون نظیر "نیریمان نیریمانوف"، "اورونیکیدزه" و "استالین" آشنا شد. رفیق حیدر عمواوغلی در خاطرات خود از جلسات مخفی که با این انقلابیون در خانه خود تشکیل می داد سخن گفته است. در همین زمان مظفرالدین شاه و اتابک هنگام سفر مسکو، برای تاسیس کارخانه برق آستانه مشهد خواستار یک مهندس برق شدند. حیدر عمواوغلی برای این کار در نظر گرفته شد و به خراسان آمد.

نخستین محافل سوسیال دمکراسی در ایران. همزمان با پیدائی نخستین ایده های بورژوازی پیشرو و ترقیخواه اندیشه های سوسیالیسم علمی نیز در بطن جامعه در حال تحول میهن ما جوانه زد. این جریان های فکری متعلق به دو طبقه تازه پای ایران بود، بازتاب مبارزات طبقاتی بطور عینی در حال گسترش بود که در یک سوی آن فئودالیسم و استبداد مطلقه فئودالی و حامیان امپریالیست آن و در سوی دیگر بورژوازی و دهقانان، پیشه وران، کارگران و بی چیزان شهری قرار داشتند.

حیدر عمواوغلی در خراسان با تعدادی از کارگران و روشنفکران همفکر خود، نخستین محافل سوسیال - دمکراسی انقلابی ایران را سازمان می دهد. این محافل بعدها به نام "اجتماعین، عامیون" شهرت یافتند. در مدت بازده ماهی که حیدر عمواوغلی در مشهد به فعالیت سیاسی اشتغال داشت، به دلایل اجتماعی و تاریخی معین نتوانست در گسترش محافل سوسیال - دمکراسی توفیق چشمگیری به دست آورد. او راهی تهران می شود تا فعالیت های سیاسی خود را پیگیری کند.

حوزه های "خصوصی" و "عمومی". حیدر عمواوغلی ابتدا در راه آهن تهران و شاه عبدالعظیم و بعد در تجارخانه حمل و نقل ایران به کار می پردازد. جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران در این زمان هر روز گسترش تازمائی می یابد و زمینه برای فعالیت های سیاسی حیدر عمواوغلی به نحو مساعدی فراهم بود. انقلاب بورژوا - دمکراتیک در آستانه قرار داشت.

مردم میهن ما ناقطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



یکجانبه‌ای مورد خطاب قرار گرفته و صراحتاً مطالبات شورایی خواست‌هایی "ضدانقلابی" توصیف شده است.

وزیر جدید خود را به نهمی می زند که شورازدل قیام و توسط خود نفتگران برپا شده به توسط دولت وقت.

وزیر نفت و عضو شورای انقلاب باید به جای صدور بخشنامه برای بی اعتبار کردن و سلب قدرت شوراها، کارنامه درخشان خود را مرور کنند تا بهتر دریابند که چه اندازه شایستگی صدور چنین فرامینی را دارا هستند

وزیری که با عوام فریبی و باسوق و کرنا برنامه پاکسازی خود را اعلام می کند خوب است که قدری به دوروبر خود نگاه کند و بداند پسران سابق را که در دوران اقبال و انصاری و نیز به سرکار بودند مشاهده نماید که چگونه هنوز به عنوان نزدیک ترین همکار و مشاور ایشان بر سرپست های حساس خود باقی ماندند.

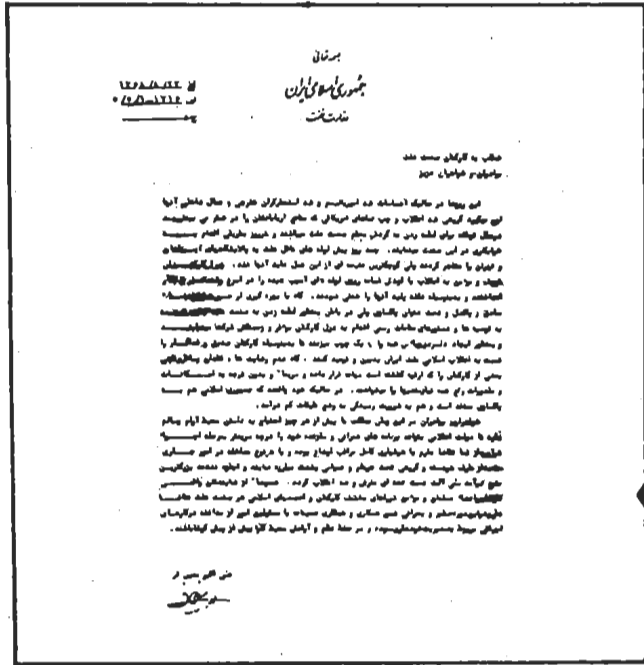
تصفیه مدیر اداری، آن هم در نتیجه فشار و توصیه انجمن اسلامی پایان تصفیه نمی تواند باشد که این چنین مورد بهره برداری تبلیغاتی آقای وزیر قرار می گیرد.

آن چیزی را که آقای وزیر تصفیه و پاکسازی می داند، در حقیقت چیزی جز نبرد قدرت با نفتگران آگاه و انقلابی که مدبریت را زیر رگبار خواست ها و سوالات خود دارند، نیست.

دست شمای آقای وزیر همچون دیگر همکاران آن دیرباز زود رو خواهد شد.

اقدامات وزیر جدید نفت علیه نفتگران آگاه و انقلابی در پوشش "پاکسازی"

این مقاله بخش دوم گزارش جاب شده در کار ۳۸ است که در این شماره به پایان می رسد



در صنعت نفت بر عهده دارد، از مفاد بخشنامه‌هایی که صادر می‌کند آشکار می‌گردد. به عنوان نمونه می‌توان از بخشنامه مورخ ۲۳ آذر ۵۸ نام برد که طی آن نفتگران از هرگونه اقدامی که با کارمدبریت ایشان تداخل پیدا کند، منع گردیده‌اند. در این بخشنامه اقدامات انقلابی کارگران

موقت برای پاک سازی و اعلام شروع برنامه از طریق انتصاب هیئت ۵ نفری مجری طرح پاکسازی به ظاهر پاسخگوی دلیل اصلی عنوان شده برای برکناری نرینه شد.

اما خیلی زود تو خالی بودن مانورهای عوام فریبانه وزیر نفت جدید - این دارنده نشان تاج آریامهری - برملا گردید. چه اقدامات جناب وزیر جدید از تعویض سرکارهای شرکت ملی نفت فراتر نرفت، هنر وزیر جدید تنها در این بود که کارگران و کارمندان راه باد توهمین ها و افتراهای رنگارنگ قرارداد و با صدور بخشنامه‌های شدداد و غلاظی شروع به خط و نشان کشیدن کرد و با انقلابی خوانساز خود کوشش دارد تنها کارگران پیشرو و انقلابی صنعت نفت را به عنوان ضدانقلاب مورد تصفیه به اصطلاح انقلابی قرار دهد.

حضور "ضدانقلاب" کشف آقای معین فرنیست. بلکه پنهان‌های است برای توجیه "نیروی ویژه" مستقر در صنعت نفت که جناب وزیر با کمک آن وظایف به اصطلاح انقلابی خود را انجام می دهد تا مانع از هرگونه حرکت در جهت پیشبرد اهداف انقلابی کارگران صنعت نفت شوند.

ماهیت وظایفی که وزیر جدید

به خاطر داریم از جمله دلایل برکناری نرینه و روی کار آمدن معین فر، مسئله تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق بود.

مانورهای وزیر تازه و مطالبات کارگران

وزیر تازه نفت مسئله پاک سازی صنعت نفت را از جمله اولین اقدامات خود عنوان نمود و با صدور بخشنامه مورخ ۱۹ مهر ۵۸ باره خط مشی کلی دولت

با توجه به مقاله شماره قبیل معلوم می شود که افشای قرارداد های نفتی، طرد عناصری که هدف خود را خدمت به انحازات قرار داد ماند و مصادر سرمایه های امریکائی در شرکت نفت از چه اهمیتی برخوردار است.

سازمان اداره شرکت نفت به گونه‌ای است که در بخش های مختلف آن منبرهائی سازمان داده شده‌اند که حرکات انقلابی را در هر سطحی تحت نظارت و کنترل خود در آورند. این منبره ها خود شبکه‌ای را در درون سیستم اداری بوروکراتیک شرکت نفت تشکیل می دهند. موقعیت اجتماعی و طبقاتی این عوامل، عامل مهمی است که آنها را در خدمت انحازات نفتی و شرکای داخلی شان در پی آورد از این رو طرح شمار "پاک سازی" که البته با هدف ها و مواضع مختلف عنوان می گردد حائز اهمیت فراوانی است و بر عهده کارگران پیشرو و انقلابی است که این "شمار را در راستای تصفیه مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های مابه کار گیرند.

به خاطر داریم از جمله دلایل برکناری نرینه و روی کار آمدن معین فر، مسئله تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق بود.

مانورهای وزیر تازه و مطالبات کارگران

وزیر تازه نفت مسئله پاک سازی صنعت نفت را از جمله اولین اقدامات خود عنوان نمود و با صدور بخشنامه مورخ ۱۹ مهر ۵۸ باره خط مشی کلی دولت

کشمیر

به خاطر داریم از جمله دلایل برکناری نرینه و روی کار آمدن معین فر، مسئله تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق بود.

مانورهای وزیر تازه و مطالبات کارگران

وزیر تازه نفت مسئله پاک سازی صنعت نفت را از جمله اولین اقدامات خود عنوان نمود و با صدور بخشنامه مورخ ۱۹ مهر ۵۸ باره خط مشی کلی دولت

حامیان "جدید مستضعفین چگونه زندگی می کنند"

در حال حاضر زمکستان مهربان فشار گرانی و مایه زندگی و بیکاری دست و پا می زند و به سختی فادربه گذران زندگی خود و خانواده شان هستند. حداقل دستمزد کارگران ۵۶ تومان معین شده در صورتی که همیشه می دانند که با این مقدار دستمزد یک نفر هم قادر نیست به راحتی زندگی خود را بچرخاند. میلیون ها کارگر بیکار در ورام بیکاری که برای مدت چندماه و آن هم فقط به تعدادی معدود دار کارگران بیکار پرداخت شد. معادل ۷۵۰ تومان بود.

درست در همین زمان اسناد انتشاریهای انتشار یافته است که آقای حجت الاسلام اشراقی و همراهمان در مدت ۴ ساعت اقامت در هتل های عمرخیم در مشهد مبلغ ۱۷۴۲۸۰ ریال بابت هزینه بزرگ و اقامت می بردارند. بعضی هرگاه وام بیکاری قطع شده کارگران بیکار که ۷۵۰ تومان است با هزینه اقامت ۴ ساعت حجت الاسلام معایبه کیم برابر با مخارج دو سال زندگی یک کارگر بیکار خانواده‌اش خواهد شد.

نازه همین وام ناچیز نیز قطع گردیده و معلوم نیست این کارگران زمختش چگونه باید معاش خود را تأمین کنند. ماحتی اگر حداقل حقوق کارگران ساعل را که برابر ۵۶ تومان در روز می باشد در نظر بگیریم، هزینه اقامت ۴ شب

حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. هاشمی رفسنجانی، عضو شورای انقلاب و وزیر پرورش جمهوری اسلامی، در فرادای مصاحبه آقای بازرگان، در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه کیهان، نظر بازرگان را درباره امر انتظام نائید کرد و چنین گفت:

"اسنادی که راجع به انتظام فاش شد، نشان دهنده جاسوسی ایشان نیست."

حمایت وزیر کشور از امر انتظام نشان می دهد که دوستان امپریالیسم امریکا و سرمایه داری وابسته تا کجا نفوذ کرده و چه اندازه در قدرت سهم هستند و برای سیاستی که بازرگان ها و امر انتظامها طراح و سخنگوی آنند تا چه میزان در جمهوری اسلامی راه برای پیشرفت باز است.

به خوبی روشن است هدف اصلی بازرگان و شرکای او، جلوگیری از انتشار اسنادی است که حقایق فراوانی را بر سرای توده های قیام کننده میهن ما روشن می کند. آنها بدون شک در مبارزه برای تحکیم موقعیت خود در حاکمیت و ممانعت از انزوای سیاسی از پای نخواهند نشست و تلاش های جدیدی را سازمان خواهند داد. این روایتها و طرد آنان و ارتقاء آگاهی توده‌های وسیع قیام کننده از مواضع و اهدافی که این دوستان دروغین مردم دنبال می کنند و طیفه هم‌انقلابیون کمونیست است.

کشمیر

به خاطر داریم از جمله دلایل برکناری نرینه و روی کار آمدن معین فر، مسئله تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق بود.

چرا بازرگان و رفسنجانی...

کشمیر یکی دیگر از اعضا شوروی انقلاب به حمایت از گفته‌های بازرگان و دفاع از امر انتظام برخاست.

ماور سیاسی آقای بازرگان، که با مصاحبه پرسروصدای روز دوشنبه آغاز شد، چشم انداز تازه‌ای از "مبارزه قدرت" را به نمایش گذاشته است.

در این مصاحبه بازرگان تمام خبرگی سیاسی خود را برای موجه جلوه دادن اقدامات و فعالیت های جاسوسی امر انتظام، سخنگوی امریکائی دولت خود به کار می گیرد در مصاحبه کوشش شده است از اعتقادات مذهبی مردم نیز برای طبیعی نشان دادن جاسوسی امر انتظام استفاده شود.

"نخست وزیر منتخب امام" در عین حال کوشش می کند جنبه تازه‌ای از دوستان صاحب مقام تشکیل دهد تا قدرت مانور خود را برای جلوگیری از گسترش دامنه مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و افشاکاری های دانشجویان مستقر در سفارت امریکا تقویت نماید. زیرا بازرگان بهتر از هر کسی می داند که رشد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌های میهن ما - برچیده شدن بساط او و جاسوسان امریکائی و تمامی لیسرال‌ها است که هدفی جز تحکیم نظام سرمایه‌داری و تثبیت سلطه امپریالیسم ندارند.

می بینیم که حساب های آقای بازرگان زیاد هم بی راه نبوده است، چه خیلی زود از طرف دوستان "صاحب مقام" مورد

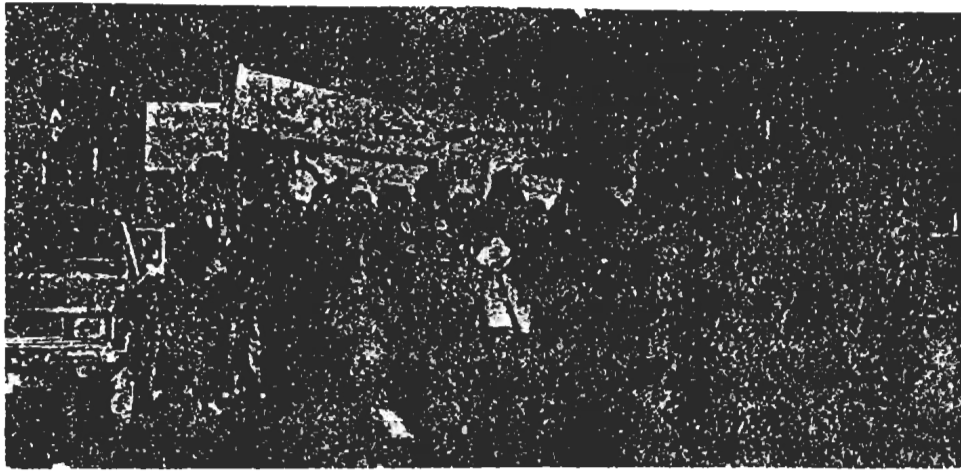
کشمیر

به خاطر داریم از جمله دلایل برکناری نرینه و روی کار آمدن معین فر، مسئله تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق بود.

مانورهای وزیر تازه و مطالبات کارگران

وزیر تازه نفت مسئله پاک سازی صنعت نفت را از جمله اولین اقدامات خود عنوان نمود و با صدور بخشنامه مورخ ۱۹ مهر ۵۸ باره خط مشی کلی دولت

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



اطلاعیه
از آنجاکه دادستان جمهوری اسلامی حساب بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را مسدود اعلام کرده است از همیهتن مبارز و هواداران می خواهیم از این پس کمک های مالی خود را فقط به همان شکلی که در نشریه "کار" توضیح داده شده است، به سازمان برسانند.

دادستانی کل انقلاب
جمهوری اسلامی ایران
برگ ماسوریم

تاریخ: ۱۹ خرداد ۱۳۵۸
شماره: ۲۴۰۲۱

ریاست محترم بان ملی شنبه ۲۱ خرداد

شماره حساب ۳۲۰۹۸ را از تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۱ مسدود

بیمایند

دادستان کل اند زب جمهوری اسلامی ایران

صحت

روز پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۸
شماره: ۱۳۵۸/۸/۱۴
شماره:

گزارش راهپیمائی ضد امپریالیستی بیکاران

حدود ساعت ۱۱ جمعیت بیکاران جلوسفارت امریکارسیده و پس از دادن شعارهای ضد امپریالیستی قطعا نماه ای قرائت گردیدند. در قسمتی از این قطعا نماه آمده است: "مانا پیندگان فارغ التحصیلان بیکار کشور ضمن پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران معتقدیم که از این پس بیکاری فقط دریکی مبارزه قاطعانه علیه امپریالیسم امکان پذیر است." صادرات سرمایه های امپریالیستی در جهت رفخ نابرابری های اجتماعی از قبیل بیکاری، افشاء و فوکلیم قرار دادهای اقتصادی، سیاسی، نظامی با امپریالیسم امریکا، القای تسمیم ربه استخدام کشوری، رسمیت شناختن شوراهای اتحادیه ها و... از جمله مواردی است که در قطعا نماه اجرای آن از مقامات مسئول مصرا خواسته شده است.

تهران رسید، یکی از بیکاران به منظور گرمی داشتت ۱۶ آذر، روز دانشجو، طی صحبتی کوتاه به نقش دانشگاه به عنوان سنگر همیشه خروشان و آتشی ناپذیر اشاره کرد. وی از ظاهر کنندگان خواست تا با دادن شعاری به نفع دانشجو، از مبارزات دانشجویان قدر دانی کند. آنگاه بیکاران به طرف سفارت سابق امریکادراه افتادند. در طول راه شعارهایی، قبیل "زندانبان بیکار، آزاد پاید گردند، مزدوران خارجی اجراج باید گردند" در اعتراض بیسسه دستگیری ۱۵ تن از کارگران بیکار که بی اسعمال محدود "خانه کارگر" توسط افراد کمینه و باستارار در ناز داشت به سر می برند، داده شد. در ادامه راهپیمایان خواستار آزادی هر چه سریعتر کارگران بیکار شدند.

روز پنجشنبه ۱۵ آذر چند صد فراز بیکاران به منظور پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، پس از تجمع در مقابل پارک لاله (فرخ سابق) دست به راهپیمائی زدند. در ساعت ۱۰ صبح راهپیمایان با دادن شعارهایی چون "بامسروک یارهای، از امریکا جدا شوی" و "بیکاران آر هر صنف، اتحاد اتحاد، علیه امپریالیسم، ارتجاع" پارک لاله ربه سمت خیابان کارگر ترک کردند. تظاهر کنندگان پس از عبور از خیابان کارگر و میدان انقلاب در حالی که شعار می دادند "امریکا، امریکا، دشمن زحمتکشان"، "نه سازش، نه تسلیم، سرود امریکا" و "سرما به و است. همه زحمتکشان ملی باید گردند" به طرف خیابان انقلاب حرکت کردند. هنگامی که صف تظاهرات به مقابل دانشگاه

بازرگان می خواهد ارتش شاهنشاهی را در جهت منافع سرمایه داری حفظ نماید.

خودشان انحلال ارتش برداختند. آقای بازرگان در قسمت های دیگری از سخنانشان طرح توحیدی را که خواسته درجه داران انقلابی ارتش بوده است مودبانه نفی می کنند و آنگاه با اشاره به روایات واحدیشی از صدر اسلام در رابطه با مسئله فرماندهی، پرسنل نراره اطاعت کورگروانه دعوت می کنند. آقای بازرگان در حالی که در ۹ ماه گذشته به هیچ یک از خواست های برحق نظامیان از جمله شورا و حق

آقای مهندس بازرگان عضو شورای انقلاب در ۱۴ آذر در حالی که جمران وزیر دفاع و تهمسار فلاحی فرمانده نیرو ربه همرا ه داشتند، طی سخنرانی متوسطی در پارک لاله لویزان برای پرسنل از لزوم پاکسازی و انضباط و اطاعت از فرمان سرخن گفتند. آقای بازرگان در حالی که دشمنان را امپریالیست و صهیونیست و مارکسیست ها قلعداد می کردند مزورانه به تحریف حقایق و نظرات پرسنل انقلابی مبنی بر تصفیه بابه قول

حفظ نماید. آزادی های سیاسی پاسخی مثبت ندادند یکی از افتخارات دولت موقشان را تدوین اساسنامه شورای موسسات نام بردند. اما همچون گذشته مسئله شورا در ارتش مودبانه نفی کردند و بالاخره تصمیم ربه اولی الامر واکذار نمودند. آقای بازرگان در قسمتی از سخنانشان گفتند: "این موضوع که افسران بقیه در صفحه ۵

توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است.

کمکهای مالی خود را از هر طریق که می شناسید و باطمینان دارید، به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجاکه نمونههایی دیده شده است که مدهای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع آوری کمکهای مالی مبادرت گردانند، به دوستان و رفقا توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمکهایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک مددسه رقمی هم که خودشان انتخاب کرده اند، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید.

سازمان "کد" و حرف اول نام شمارا همراه با مبلغی که پرداخته اید در نشریه "کار" به چاپ می رساند. به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی تان به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که رابطه به هیچ وجه نباید به یک رابطه تشکیلاتی تلقی گردد. ما از همیهتن مبارز می خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند.

توضیح در مورد عنوان مقاله:

وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته است

در شماره ۳۸ "کار" مقاله ای تحت عنوان "وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته است" به چاپ رسید. از آنجاکه عنوان فوق این توهم را پدید می آورد که مانع سیاست ۹ ماهه گذشته دولت بازرگان و اقدامات فعلی وزارت کشاورزی فرقی نمی گذاریم، لازم دیدیم توضیح دهیم که این عنوان به سیاست های زمان وزارت آقای ابزیدی اشاره دارد

تعداد نمایندگان طبقات و اقشار مختلف جامعه
به نسبت جمعیت در مجلس خبرگان

طبقه	تعداد نماینده	جمعیت
روحانیت	۶۵ نفر	۲۰۰ هزار نفر
کارگران	۹ نفر	۳ میلیون نفر
زنان	۹ نفر	تقریبا نصف جمعیت کشور

و دهقانان که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل میدهند، هیچ نماینده ای ندارند! روشن است، که قوانین تصویب شده بوسیله این خبرگان تنها بدرد جامعه روحانیت که خود را قیم مردم میدانند، میخورد و هیچ دردی از زحمتکشان را دوا نمیکند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

**برای پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی خلقمان
سیاستمداران و محافل لیبرال را افشاء و طرد کنیم**

اسناد منتشره در این شماره گوشه‌ای از تاریخ مبین ما است. این اسناد از آن جهت منتشر می‌شوند که ماهیت سیاستمداران و محافل سرمایه‌داری لیبرال را بر ملا می‌کنند. افشای سرمایه‌داری لیبرال که دشمن مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق‌های ما است و امپریالیسم آمریکا پیوسته از طریق آن بر علیه خلق ما وارد عمل شده است. امروز ضرورت زیادی یافته است. به ویژه آن که ماهیت سرمایه‌داری لیبرال و سیاستمداران آن که برای منحرف کردن مبارزات خلق ما از هدف اصلی بهره‌برداری می‌کنند و امروز نیز خود را آماده ریاست جمهوری می‌کنند هنوز تا اندازه‌ای بر مردم پوشیده مانده است. اسناد منتشره در این شماره تنها بخشی از اسنادی است که در آرشیو نشریه "کار" موجود است.

**چرا بازرگان از دوستان و جاسوسان
امپریالیسم آمریکا دفاع می‌کنند؟**

بازرگان نخست وزیر پیشین، عضو شورای انقلاب و کاندیدای ریاست جمهوری، در ارتباط با اسناد منتشر شده‌ای که رابطه عباس امیرانتظام معاون بازرگان، سخنگوی دولت را با سازمان جاسوسی "سیا" برملا می‌کند، به خبرنگاران گفت: "این ارتباط با اطلاع من و اعضای دولت و در جهت بهبود روابط دیپلماتیک بود ما است."

در همین مصاحبه بازرگان به حقایق تکان دهنده زیر اعتراف کرده است. این روابط با امیرانتظام و به یک سند حتم نمی‌شود "۲۰۰ سند دیگر نیز که این گونه روابط را نشان می‌دهد، در مورد سایر همکاران من" ممکن است پیدا شود. "در گزارشی که دادستان انقلاب به من نشان دادند، از اشخاص و افرادی که عنوان همکاری (سی-آی-آی) را روی آنها گذاشته‌اند، نام برده‌اند. بسیاری از این افراد را من می‌شناسم، بعضی از این‌ها را من به آقای امیرانتظام معرفی کرده‌ام" بازرگان در جای دیگری از همین مصاحبه گفت: "مذاکرات مربوط به اتخاذ این روش‌ها، تبادل نظرها و تماس‌های ضروری و لازم را آقای امیرانتظام و وزرای خارجی ما یعنی آقایان سنجابی و وزیدی و خود بقیه در صفحه ۴

مهدی بازرگان می‌گوید:

«علی حضرت با درد دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرده،

یک نفر چقدر وقت پیدا می‌کند که به همه امور برسد؟» در صفحه ۴

**بازرگان گود نشین‌ها، زاغه نشین‌ها و ساکنین حلبی آباد‌ها را
قدر و دزد و قاچاقچی می‌نامد.**

در یکی دو ماه اخیر، موج سارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری مردم زحمتکش و محروم اوج تازه‌ای یافته است. مردم بی‌خانمان و زاعفتین و گسودن نشان اطراف شهرها که عمر خسته‌اند و در بدو کشیده‌اند، طی چند هفته گذشته پس از ماه‌ها انتظار موهوم اردولت بازرگان که خانه‌ها و آپارتمان‌های سرمایه‌داران مراری را به آنها واگذار کند، چون امیدشان اردولت نا امید شد، به پستی سازمان‌های انقلابی و سرحی روحانیون مبارز تعدادی آپارتمان را که ماه‌ها عالی مانده بود، اسعال کردند تا نشان را به یک مبارزانی که سال گذشته در راه‌هایی خود را وقف و تاجاری بی‌حاصلی کرده‌بودند در زیر سقف یک چهار دیواری به سر آورند. اما آقای بازرگان اس عضو برجسته شورای انقلاب مثل هر سرمایه‌دار دیگر را زاعفتین‌ها، گود نشین‌ها، بی‌خانمان‌ها و همه مردمی را که توسط همین سرمایه‌داران چاپیده شده‌اند، به ما دافرا و بدگویی گرفت و قتی آقای بازرگان دیدند کسانی که

یک عمر کار کرده‌اند، رخصت شده‌اند، حساب روی حساب گذاشته، کم‌کم سرمایه‌داران را بر پر کرده‌اند، امروز می‌خواهند حق خودشان را از چنگ سرمایه‌دار فراری در آورند و صاحب حاصل دسرخ خود شوند، با هزار دوز و کلک و با آه و ناله اعلام کردند که کاش ارس قدرت داشت و جلوی "این قلدرها، گردن کلفتها دزدها، قاچاقچی‌ها" را می‌گرفت. بازرگان در حرف‌های خود به عالی‌ترین شکل سان می‌دهد که سرمایه‌دار کسب، ارسش چگونه در خدمت طبعه سرمایه‌دار فراری می‌گردد و سرمایه‌داران با چه اندازه ار سار و وسکل طبعه کارگر هراس دارند. بازرگان ارسع قدرت سرکوب دولتی می‌بالد و در باره خانه‌سازی مردم و اسعال مجمع‌های سرمایه‌داران مراری با اساعف می‌گوید:

"قلدرها، دزدها، قاچاقچیان آمده‌اند امروز مستضعف شده‌اند. مسکنی که می‌خواهند بدهند به اینها می‌رسد. خوب وقتی قدرتی نباشد همین است" (روزنامه‌های سپهر ۲۳ و ۲۴ آذر ۵۸)

هر آدم مصمی وقتی اس حرف‌ها را می‌شنود ارسود می‌برد کدام سک از قلدرها و دزدها و قاچاقچی‌ها یعنی سرمایه‌داران با ماشین‌های آجرس سسم "سرو" و "سی ام" و "ما فکل و کراوات رنه اسد آپارتمان‌های سرمایه‌داران مراری را اسعال کرده‌بود در آن ساطسین کرده‌بود؟ در هزاران خانه‌ای که توسط مردم زحمتکش اسعال شده اس حتی یک عر کردن کس و قلدرها در سرح طبعه کارگر گردس اس کسفته شده اسند، اسنال بازرگان اسا و اسراطام‌ها سدا می‌سود.

آری، اس سوه سرمایه‌داران اس که مردم زحمتکش را دزد و قاچاقچی و قلدرو سس سروبامی با سد و سرمایه‌داران و اسعاس و اسراف را "محرم و باسحصب و آسردار"

چرا پس از قیام شکوه مند خلق،

مهدی بازرگان

به نخست وزیری رسید؟

برای بسیاری اس سئوال مطرح است که اگر بازرگان، اسراطام و بر دی و اسمال آنان که یک سبک دارد پیرو سده‌شان رو می‌شود، تا این حد سده مردم حساب کرده‌اند پس چرا همگی مورد ناسند و منحسب آبت الله حسینی سوده‌اند و هنوز هم معدر آموخته‌اند؟

بسیاری از مردم که در راهپیمایی و نظاره‌ها و اسعاسات و سسدهای جناسی سال گذشته شرکت داشته‌اند، سلسوسها مردم زحمتکش که اسالان را کد سسب گذاشتند و به اسالان‌ها راسخند و جلوی کلوله‌ها سسب سبر کردند و سعار "مرک سسب" دادند، وقتی آبت الله حسینی اعلام کرد د بازرگان را ما مورسکل کاسه کرده‌اس به فکر فرورسند و با خود گفتد "چرا این سرمایه‌دار بهر دراز که سسه نلاس ساس با ساه و سحفظ رژیم بود، باید به نخست وزیری دولسب بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

مهدی بازرگان می‌گوید:

"علی امینی را فرد مبین پرستی میدانم اگر با امپریالیسم تماس‌هایی داشته‌باشد روی تبادل نظر و مصلحت‌اندیشی است!" در صفحه ۴

**آقای بازرگان از «قانون اساسی
شاهنشاهی» پشتیبانی می‌کند.**

چرا سخنگوی دولت بازرگان جاسوس امپریالیسم آمریکا از آب درآمد در صفحه ۳

**نقل از کار شماره ۲۵
مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای اسارت‌بار
با امپریالیست‌ها را به نفع مملکت و مردم می‌داند**

مهدی بازرگان، پیروزی قیام پرشکوه بهمین را «مصیبت بزرگ» می‌داند. در صفحه ۲

نابود باد توپنه محافل و احزاب سرمایه‌داری لیبرال

چرا سخنگوی

دولت بازرگان جاسوس امپریالیسم آمریکا از آب درآمد

حلق ماهرور گام حددی در مارورما
امریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن
برمی دارد و در هر قدم، امراروره، عوامل
امریالیسم امریکارار و او را برمی کند.
اسک لحظه به لحظه ماهت کاسسه
بازرگان که اکریب آن را امریانظام ها،
چمران ها، یزیدی ها و قطب زاده ها
سکسل می دادند، بر مردم آتکاربر
می بود. و مردم سن ارسن به حفاظت
سروه های اغلای و ماهت سروه های
صد اغلاب بی می برید. سروه های
اغلابی و سن ارهه سازمان چریکها؟

اس عوامل هبرور سا چهره ای
حق به حالت دریلورینون ظاهر می بندد.
به مردم دروغ می گسند و حجاب های
خود راه سروه های اغلابی
می دادند.
به نادی آورم که چکوه و مسی
صاعان ها و عناصر مرجم ساند چمران
در گسند سوره به کلوه سن مسگ و
سحرانی مردم را صادر کردند. امیر
انظام، بازرگان و قطب زاده بی درک
اس کسارها راه سروه های اغلابی
دادند و حاله اس سمت ارهسند مسره

جاسکار و سیرک بار باحه حده هویاری،
سکری در ماروره و همسکی سار دارسم،
اصای رابطه اوسد دنگری اس در
حفاظت سازمان حرکت های فدائی خلق
ایران که بارها اعلام داشت: امریالیسم
امریکا از طریق "دوسانی" که در دولسو
دارس دارد، در گسند، جورستان،
کردستان و سایر نقاط مهن غلبه
حلق های مهران ایران بوظنه کرده است
سمازرات صد امریالیسی خلق مسارا
محرف کند.

■ جاسوس از آب درآمد امریانظام ثابت می کند که سازش و اتکای آبت الله خمینی
به سیاستمداران سرمایه داری و حمایت ایشان از عناصری مانند بازرگان، یزیدی
قطب زاده و چمران و امثالهم تاکنون چه ضرباتی به انقلاب ایران وارد آورده است.

فدائی خلق ایران، افرادی مدام به
افشای این دوسان امریالیسم امریکنا
پرداختند. اما از آنجا که این عوامل
بتهای حساس را در ارتش، رادیو-
تلویزیون، مطبوعات و دیگر مراکز در
دست داشتند و هنوز نیز صاحب قدرند،
بپوشه افراد ناآگاه و بیخبرهای عقب
مانده مردم را تزیین دادند و همسیری
خود را کارگرمسند یا نگدارند صدای
سروه های ایلیایی به گوش همه خلق های
سکسل مهن برسد.

اروسی " دانشجویان پیرو خط امام "
بوجه کیم ناسیسم سازمان " سیا " چه
دستورالعملی به امریانظام می داده؟ " باید
طوری وانمود شود که امریکادر آشوب های
ایران دست ندارد. یعنی باید دوستان
امریالیسم امریکا مردم راه کلولسه
ببندید و جانیتهای خود را به سروه های
اغلابی بست دهند. اما خلق مهران ما
و سروه های اغلابی آن پرده های مریب
و سیرک را یکایک می درند و " صد اغلاب "
یعنی مهربه های امریالیسم امریکنا و
سرمایه داری وابسته به آن را در میان
صاحبان قدرت بازمی شناسند و بر سر
می کنند.

خرامالزمت هاپیش می دانستم که
امریالیسم ها عامل امریالیسم امریکنا
هستند؟ سلطنت امریانظام ها علیه
سمازرات مردم و کینه آنهاست
سروه های اغلابی، کوش آنها در حدسد
سازمان ارتش آریامهری، کوش آنها در
سمازرات سازمان است و تلاش آنها در
پشتیبانی ساسهای سیرکوبه و صوح اس
واقفیت را اثبات می کرد. امروز نیز اعلام
می کنیم کسانی که همچون صاعسان و
چمران و قطب زاده و سبسی می خواهند به
هر نحوی که شده از صلح عادلانه در
کردستان جلوگیری کنند و همه تلاش خود را
علیه سروه های اغلابی به کار گرفته اند،
سحماس برده ساس ها، امریالیسم
امریکا هستند. اعمال اس عناصر ارهسند
سدی گویا سار سوار هسن روات گس
نظسیم ماهت همه اس عناصر در مارود
بر مردم مارووشی خواهد شد.

پس از مدام بهمن در شرایطی که خلق
ما یکبار چه مقلبه امریالیسم امریکنا
ساره می کرد، در شرایطی که مردم
یکبار چه فریاد می زدند: " بعد از شاه
بویت امریکاست " مهربه های اصلی دولت
بازرگان یعنی امریانظام ها، چمران ها
مدنی ها، قطب زاده ها، صاعسان ها و
یزیدی ها مجری سیاست امریالیسم امریکا
در مهن باشند و توطئه های وسیعی علیه
مردم و سروه های اغلابی سارک دیدند.
آنها با بهره برداری از ترس رهبری
روحانیت از انقلابیون کمونیست و سایر
سروه های اغلابی و تحایل ایشان سراسر
سازش سرمایه داری لبرال، به قدرت

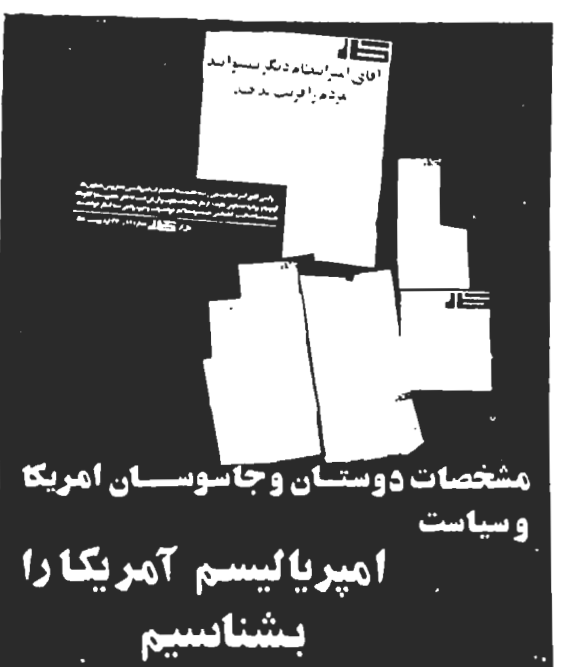
امروز دیگر کسی فریب بازرگان، این
طلانوالدین کینه کار سرمایه داری را
نمی خورد که می گفت: " نمی توانم پاک تر
از یزیدی، امریانظام و صاعسان پیدا
کنم. " امروز مردم می دانند چرا طوطی
امریکائی دولت بازرگان کارگران مهران
ایران و سروه های اغلابی خلق ما را " صد
اغلابی " می نامید. مردم ما فراموش
نمی کنند که بازرگان، این زاهد ربائی
چقدر از دخالت مردم در امورمی نالید و
امروز حرف های او را مفاصه می کند با این
قسمت از گزارش امریانظام به سازمان
" سیا " فکرمی کردیم که بیش از چند ماه
طول نخواهد کشید تا مسالطمان را [امریکا]
حل کنیم ولی این مردم دخالت هاپشان
را ادامه می دهند. " حاکم امریانظام
حرف دل آقای بازرگان زارده است. "

بدون شک افشای عوامل امریالیسم
امریکا برای آبت الله خمینی سرنایند
خاوی نحره ای گرانها ساند و ایشان را
در شناخت سروه های امریکائی باری دهد.
امروز ایشان باید به اس واقفیت بوجه
کند که چگونه اس عوامل سیره برداری
از هراس ایشان از اغلابیون کمونیست و
سایر سروه های اغلابی سواسته اسد از
حمایت وی برخوردار سوند. جاسوس
از آب درآمد امریانظام ثابت می کند
که سارش و اتکای آبت الله خمینی به
ساستمداران سرمایه داری و حجاب اسان
از عناصری مانند بازرگان، سسردی،
قطب زاده و چمران و امثالهم تاکنون چه
ضرباتی به انقلاب ایران وارد آورده است
اس عناصر هور در سوره های اغلابی
ارسی و دیگر سسهای حجابی سس
گرفته اند.
مردم ایران خواهان شناخت و محار

■ امروز آبت الله خمینی باید به
این واقفیت توجه کند که چگونه
این عوامل با بهره برداری از هراس
ایشان از انقلابیون کمونیست و
سایر سروه های انقلابی توانستند
از حمایت وی برخوردار شوند.

هم مهبان مبارز!
امریالیسم امریکنا، کسی که در مقام سخنگوی
دولت بازرگان ساسی ثرمی و گسناخی در
تلویزیون ظاهر می شود به دستسور
امریالیسم امریکا سروه های اغلابی را
" صد اغلاب " معرفی می کرد. تنها یک
حرمیره ناچیر از اسوه حرمیره های سروه
در شنا امریالیسم امریکنا در ایران است.
افشای رابطه بیبانی او با سازمان
جاسوسی سازمان سیا، نشان می دهد امریالیسم
امریکا چگونه علیه سمازرات خلق ما بسیج
شده است و برای شکست این دشمن

همه عوامل امریالیسم امریکنا
سرمایه داری وابسته به آن سسند. مردم
خوب می دانند که در سراسر سسورب
سرمایه سیرک بر ارتکسده به سس
صد امریالیسی مهن ما وارد خواهد شد.
سازمان حرکت های فدائی خلق ایران
همسارانشه کارگر، صاعسان، سمران و
در حدداران با قسین حرمیره سسردی
گسند، سسردی، سسردی، سسردی، سسردی
مشتعل و سسردی و سسردی سسردی
ایلیایی و سسردی سسردی سسردی
بویت امریالیسی خلق های مهن ما
وارد ساختند.



مشخصات دوستان و جاسوسان امریکا
وسیاست
امپریالیسم امریکارا
بشناسیم

نام	تاریخ	محل	نوع
...

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ایان است واعضاء دارد که هرکس
مضامین و ساسه در اس امر، سسند
حقی به حسن صد امریالیسی مردم
ایران وارد می کند.
مرکز برا امریالیسم جهانی به
سرگردکی امریالیسم امریکنا
سروزاد سمازرات صد امریالیسی
دمکراسک طبعه کارگرو سسردی
طسبات و اسسار خلق
سازمان حرکت های فدائی خلق ایران
حسمه ۳ - آذرماه ۱۳۵۸

در افشای و طرد سرمایه داران لیبرال بکوشیم

بهاضه صفحه ۱

چرا بازرگان از دوستان و جاسوسان

امپریالیسم آمریکا ...

سند بااموران آمریکا انجام می دادیم، حالا اگر اینها خیانت حساب شود...
اس مذاکرات "غالبا باحضور دکتر یزدی وزیر امور خارجه و اکثر باشرکت
امیران نظام صورت می گرفت."
بازرگان در همین مصاحبه اعتراف کرده است که او و دکتر دستاوردی در بهیست
آزادی هنگامی که مردم به دستور امپریالیسم امریکایی گلوله بسته می شدند، برای
ماوران امریکایی که برای رهبری سرکوب و کسار مردم به ایران می آمدند، "دسته
گسل می فرستادند."
بازرگان در سراسر مصاحبه خود کتک دادهاست که چگونه برای واستگی ایران به
امپریالیسم امریکا تلاش کرده و اسک سرازای اعمال خود دفاع می کند.
هم میهنان مبارز!

زمانی که طبعه کارکوهرمان و همه مردم مبارزان ما امپریالیسم امریکا و ارتش
صد جلعی واسه به آن بنگاری کردند، زمانی که کوچه و دیوار و خیابان از خون
مردمان دلار خلق گلگون بود، بازرگان، این سیاستمدار کهنه کار سرمایه داری
همدستاس برای جاسوسان امریکایی دسته های گل می فرستاد، به درگاه شاه و
فرماندها ارتش استعانه می کند و آنان را ملتصانه نصیحت می کند که هر چه
رودر و نادرینده راهی پیدا کنند که از فام توده ها جلوگیری شود، تا منافع طبقه
سرمه دار و امپریالیسم امریکا حفظ شود.
بازرگان عده های از فام گفت: " ما بازان می خواستیم، سهل آمد."
او تا این گمار اعتراف کرده که سیاستمداران سرمایه داری از امپریالیسم امریکا
و از شاه بازان رحمت طلب می کردند، اما سبیل مبارزات توده ها با سلطان راه نم
رحمت، با سربای طبعی است که او و همدستانش مثل دکتر یزدی، چمبران،
امیران نظام، مدنی، صباغیان و غیره با این سبیل و بانوده هائی که سرچشمه این
سلطان، دشمن باشد و طبعی است که برای مبار کردن این سبیل هر گوسه
" ماده اطلاعات" را با امپریالیسم امریکا محاز می داند.
اوسانه گفته کارتر " بهترین دوست" امریکا است، باید کارگران را " ضد انقلابی"
نامد، او با یاد در حال مردم در مور خود ناله کند، او با یاد از تو طبعه های
"خلوص نیت" وی بگذارد، خلوص نیت برای جلوگیری از مبارزات مردم و حفظ
منافع امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار، اما طبقه کارگر و همه مردم مبارز ما
بر "خلوص نیت" بازرگان، یزدی، چمبران، امیران نظام، مدنی و امثال آنها
تصف می کنند و می دانند که این "خلوص نیت" خلوص نیت درد شمنی با طبقه
کارگر و با مردم زمینکش و مبارز است.

بازرگان خوب می داند که او و همدستانش بر سر مردم ایران چا آورد مانده
بازرگان خوب می داند که برای چه با همدستی چمبران، مدنی و یزدی، فتودال ها
و دیگر سروه های ضد انقلاب را علیه مردم مسلح کرده است، بازرگان خوب می داند که
او و همدستانش چرانه این حد بانیره های انقلابی به ویژه سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران دشمن اند، بازرگان خوب می داند که او و شرکایش اقداماتی بسیار
تکان دهنده تراز آنچه تا کنون فاش شده است علیه خلق ما ترتیب شده اند،
از همین روایت که می گوید: " اگر روزی در گزارشهای چند سفارت خانه دیگر هم
این اسناد به دست آید که شاید سر به ۲۰۰ فقره بزند چه از سوی آقای امیران نظام
و یا سایر وزرا نمی تواند دلیلی بر جحانت باشد."
او در دفاع از خود هنوز همان دلیل مضحکی را می آورد که فقط عقب مانده ترین
و نا آگاه ترین مردم گول آن را می خورند، او هنوز می گوید: " چون من و همکارانم
منتخب امام هستیم، هر اقدامی که علیه مردم مرتکب شویم، درست است."
او در مصاحبه روز دوشنبه سوم دی ماه می گوید:

"چرا بعضی از روزنامه ها به سرعت، بدون اینکه به عظمت و مسئولیت خدائی -
ملی - مملکتی خود و قلم شان توجه داشته باشند، یک چنین اتهامات ناروا لسی
را ناپخته و مسلم نشده و به مرحله اثبات نرسیده رابه افراد واردمی آورند و آن وقت
باید کسانی که خدمتگزاران این انقلاب و مامور و منتخب مستقیم و غیر مستقیم
امام بوده اند، در معرض اتهام و صفت جاسوسی " سیا" قرار بگیرند و به این ترتیب
نظام انقلابی ما دچار تزلزل خواهد شد."
اما امروز دیگر کوس رسوائی بازرگان و شرکا، رابر سر بازار زده اند و بازرگان
بهبوده می گوشت " منتخب امام بودن" را دلیل صالح بودن ذکر کند.
مابرای آگاهی هم میهنان مبارز از ماهیت بازرگان، سرمایه داری که پس از آن همه
رسوائی هنوز عصون برای انقلاب است و علاوه کاندیدی ریاست جمهوری نیز
هست، اسنادی از سوانق او را منتشر می کنیم.

بازرگان می گوید: " اعلیحضرت با درد دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرده،

یک نفر چقدر وقت پیدا می کند که به همه امور برسد؟

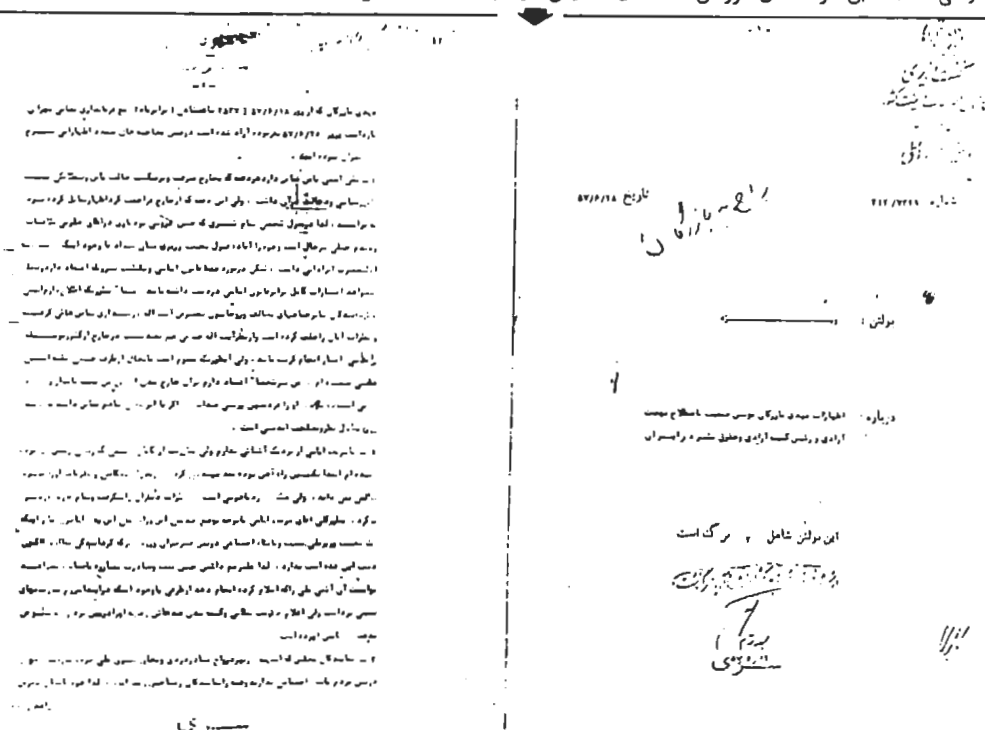
دانشه و یکی دربار سربوسی صدرا در بروج صافرت با ایران طلائت کرده است.
۱۲ - در مورد این مادیات گروههای بهیست آزادی در این کاخها داشت دکتر یزدی با حسی
ارتباط دارد و همین لسنی از سهم ایام آزادی ساره سوی سده دار سوبی بگریس، صد سراسر
ارتباط را حفظ کرده و از سرازای کنگ هائیره سده سگرده.
۱۳ - عزایان و گروههای ربا در زینا را بوجار ارتکوز بهیست بازرگان ترا حه و ما نامه سوسینه که
در تریا به طلی وضع بهیست را روشن کند و بطوریکه با حذ را بنده با حاضه روحانیون مخصوص
حسی عمل کند سپس جهت پس از اعلام آزادیهای اجرات از طرف دولت آقای شریف اناسی
با سرتصم گرسیم خط شنی کلی خود را بوش و اعلام بوجودت سائیم و سرازای حیا سیر سراسر
ماه ای که ساربا بر ما نامه سابق بهیست بود، ولی هنوز سرتشرشته و مرحله عمل در رسیده
است.
۱۴ - در مورد نظرات آرام مدعطر روز بهیست ۱۶/۱۶/۵۷۷۶ اظهار عقیده میکرد این نظرات
را مدعسین بخصوص حویان طرفدار حسی اما ره میکردند، با دعوات مدعاشتم و بروص عملی کار
طوری است که گروه سده گسی امور دست طرفداران حسی است، دولت چرا بر ما نامه خود
با رکنیت ها را بزرگ کرده؟ در مورد سرتکه با رکنیتها بخر گروهای کوچک با گاهی مدعاسسه
و گاه دست روحانیون و مدعسین است.
۱۵ - من صنفم اعلیحضرت با درد دست گرفتن تمام امور خود را خسته و کوفته کرده و یک نفر
وقت پیدا کند که همه امور بر ما نامه بر ما سرازای اساسی کارها و امور حساری در دست دولت طلی
اداره گردد.
۱۶ - از نظر ما ره افتخار بسیار در سلطانه به داشته و حذ به ما ره اصولی و آگاه کردن و سخته
ساختن مردم سیاسی دسی و مدعی وطنی خوش و ما ره با مردم استعدا و ما ره با حذوق مردم
میباشد.
مراتب برای استعمار خاطر حذوق ما ره از مرض گذشت.

آقای بازرگان وقتی که به کارنامه
۳۷ سال حسابات شاه نگاه می کند، وقتی
که ۷۰ هزار کشته، صدها هزار رحیمی که
همه و همه به دست رژیم شاه جاسکار
صورت گرفته، نگاه می کند، می گوید:
" اعلیحضرت خود را خسته و کوفته
کرده اند و بهتر است جای خود را بسه
و لیعهد تازه نفس بدهند."
حس حسی هم اکنون عذار کار
رفس از رنج و سربری به عصبیت سوزای
ایعلات در آمده و هسور هم معلول دل سوری
برای امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار
واسه به آن است. آقای بازرگان در
صحت لئوسربوسی حید ماه قبل حسی
سپهان بکرده که از موضع شدن نام " سناد
بهلوی" هم با راجع است. او با خود
می گوید: " خودش را سبرون کردید پس
بست؟ ما ما ش دیگر چکار دارید؟" آقای
بازرگان همیشه می گفته است شاه باید
سلطنت کند، نه حکومت. بازرگان همان
شاهپور بختار است با این تفاوت که اهل
رفس و تسبیح است و اکنون نزاری رفس
و نسیم خدمات شان توجیه به او کرده
است.

بازرگان می گوید: " علی امینی را فرد مبین پرستی می دانم اگر با امریکا هم
تماسهایی داشته باشد روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است!"

سبتر روش می شود که در مورد ارتساق
می گوید:
" شخصاً متقدم با صداقتی که در کار
امیران نظام سراغ دارم و با توجه به اینکه
ایشان در تماس با خارج جهان از حذود و
ثغور و روابط دیپلماتیک خارج نشده اند،
تماس های او را به عنوان جاسوسی تلقی
نمی کنم."
(روزنامه های تهران دوشنبه ۳ دی ماه)
پس جاسوسی از نظر ایشان یک نوع

علی امینی مبره ساخته شده
اشاره به کتیر سوسوم بع وزیر کابینه
سپهد راهدی، تخت وزیر سبخت شاه
در سال ۱۳۴۱، کسی که سالها حذوق
ایران در امریکا بوده است، از نظر آقای
بازرگان " تحت وزیر منتخب امام"
مردی است مبین پرست که روابطش با
امریکا از " روی تبادل نظر و
مصلحت اندیشی است."
وقتی اهمیت این حرف آقای بازرگان



پرتوان باد جنبش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی-دموکراتیک خلقهای ایران